# دعاهای قرآن

نویسنده:

حسین واثقی

فارسی

16:22:42 2010-02-03

دعاهای قرآن دعاهای قرآن

مؤ لف : حسین واثقی

مقدمه بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن کریم کتاب زندگی ماست و هر آنچه که برای تکامل روح و سازندگی شخصیت انسان لازم است در آن آمده است .

یکی از نیازهای فطری بشر، راز و نیاز با خداوند است . او می خواهد خوشبخت زندگی کند و در آخرت نیز سعادتمند شود. بدین منظور و برای رسیدن به این مقصود همواره در صدد داشتن رابطه و انس با خداوند است تا به هنگام بروز شداید و مشکلات به او رجوع نماید. برای این منظور لفظ و بیان خاص و الفاظ و متن خصوصی لازم نیست . هر قوم و ملتی با زبان خود و به مقدار فهم خویش خدا را می خواند:

اما متن دعاها و مناجات هایی که از زبان اهل معرفت و انسان های الهی و وارسته برخاسته است دارای ظرفیت لفظی و معانی گسترده ای است به گونه ای که در کلام و دعای دیگران یافت نمی شود و این خود رمز جاودانگی و قابل سرمشق بودن این دعاهاست .

یك بخش از کتب احادیث ما، دعاها و مناجات هایی است که بر زبان اولیای الهی جاری شده است که با آن کلمات همواره خدا را می خوانده اند و یا این که بر پیروانشان تعلیم داده اند که با آن خدا را بخوانند. عمده این گونه متون درکتب دعاگرد آمده است .

لیکن دعاهایی در قرآن کریم آمده است که از زبان فرشتگان و پیامبران و بندگان صالح صادر شده و یا تعلیم خداوند به بندگانش است که به آنها به طور مستقل کمتر پرداخته شده است .

از آن جایی که بنده مدتها توفیق استفاده از درس پر فیض و برکت استاد بزرگوار حوزه ، حضرت آیة الله حسن زاده آملی (دامت افاضاته ) را داشتم استاد عظیم الشاءن توصیه می فرمود که قرآن را مطالعه کنید و به دعاهای قرآن کریم اهتمام ورزید. به دنبال ، تاءکید استاد، بنده نیز چند دور قرآن را مطالعه کردم و آیاتی را که حاوی دعای پیامبران و فرشتگان و بندگان برگزیده حق و یا تعلیم خداوند به پیامبرش بود در مجموعه ای گرد آوردم . آیات برگزیده دعایی با توضیحی که زمینه استفاده از هر دعا را در مورد ویژه اش بیان می کند، در اختیار مؤ منان و دوستداران قرآن کریم قرار می گیرد.

در این کتاب سعی کرده ام تا در مواردی که به توضیح و تبیین کلمات و عبارات قرآنی نیاز داشت از قرآن کریم دو تفسیر مجمع البیان و البرهان استفاده نمایم و احیانا احادیثی از کتب تفسیری و حدیثی

بر آن افزوده ام و در پایان فهرست موضوعی دعاهای ذکر شده را افزودم تا خواننده بهتر بداند که هر دعایی در چه زمینه و موضوع و مناسبتی نازل شده و نیز با چگونگی تکرار دعاها آشنا شود.

اهمیت راز و نیاز با خدا خداوند می فرماید:ادعونی استجب لکم (۱) ؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم . می دانیم که خداوند صادق است و در سخن او گمان خلاف نمی رود، لیکن یکی از بهترین شواهد بر صدق گفتار حق تعالی مواردی است که در قرآن کریم آمده است که انبیاء، اولیاء و بندگان صالح حق تعالی در شرایط خاص خدا را خواندند و خدا هم دعای آنان را اجابت کرد و آنها را از غم و اندوه رهانید.

وقتی که خداوند داستان حضرت یونس و زندانی شدن او در شکم ماهی در قعر دریا، و قبول توبه و استغفار او را بیان می کند در پایان اشاره می کند به دعا و مناجات یونس در قعر دریا، و مستجاب شدن دعا، و نجات یافتن او از چنان زندان وحشتناك در آخر سخن می فرماید (و كذلك ننجى المؤ منين ) (۲) ؛ ما اینچنین مؤ منان را نجات می دهیم . و این معنا را با لفظ مستقبل (که دلالت بر دوام و استمرار دارد) بیان می کند. گویا خداوند می خواهد بفرماید: مبادا گمان کنید این گونه برخورد و یاری و کمك ما اختصاص به یونس و یا گذشتگان و یا پیامبران دارد؛ بلکه نجات و یاری و کمك و هدایت ما شامل حال همه مؤ منان است ؛ آنهایی که از سوز دل و از عمق جان در گرفتاری ها خدا را بخوانند.

در حقیقت خداوند با ذکر داستان حضرت یونس و حسن ختام آن با این جمله به مردم با ایمان راه ارتباط بندگان با خدایشان را نشان میدهد که در مشکلات و سختی ها به خداوند امیدوار باشند و به درگاه او روی آورند و هیچ گاه از رحمت الهی ماءیوس نباشند چرا که فریاد رس همه در همه جا خداوند است .

دعاهای آدم و حوا آدم و حوا داستان پر رمز و راز دارند. خداوند آنان را در بهشت جای داد و دستور داد تا از فلان میوه یا دانه نخورند. اما شیطان آنان را وسوسه کرد و آنان از آن خوردند و گرفتار شدند. خداوند به آنان گفت :آیا من شما را از آن نهی نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست.

در این هنگام آدم و حوا توبه کردند و دست به دعا برداشتند و گفتند:

ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا و ترحمنا لنكون من الخاسرين (۳) ؛

بارالها، ما به خود ستم کردیم - که نافرمانی تو کردیم - اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ما از زیان کاران خواهیم بود.

دعاهای حضرت نوح علیه السلام ۱. نوح یکی از پیامبران الهی بود که عمری دراز یافت به گونه ای که عمر او ضرب المثل شده است .

نوح مردم را به خداپرستی و معرفت فرا می خواند و از بت پرستی و جهالت باز می داشت . مردم که با عقاید پدران خویش خو گرفته بودند و از اندیشه و تفکر به دور بودند نوح را تهدید کردند کهای نوح اگر از کارت دست برنداری تو را سنگباران می کنیم.

نوح دست به دعا برداشت و گفت :

رب ان قومى كذبون# فافتح بينى و بينهم فتحا و نجنى و من معى من المؤ منين (٤) ؛

پروردگارا! قوم من مرا تکذیب کردند. بین من و آنان داوری کن ، و مرا و کسانی که با من ایمان آورده اند از دست آنان نجات بخش .

خداوند در قرآن کریم می فرماید:ما نوح و همراهان او را نجات دادیم و دیگران را غرق کردیم.

۲. در قرآن کریم یك سوره به نام حضرت نوح آمده است و تمام این سوره مربوط به داستان آن حضرت است . خدای متعال می فرماید:ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پیش از آن که عذاب دردناك به سراغشان آید. او به مردم گفت : من شما را هشدار می دهم ، خدا را بپرستید و تقوای الهی را پیشه گیرید و مرا اطاعت کنید اگر چنین کنید خداوند شما را می آمرزد و اجل شما را به تاءخیر می اندازد.

این پیام و تبلیغ ، مردم را بیدار نکرد و به همین سبب نوح از سر درد با خداوند چنین گفت :بارالها، شب و روز مردم را دعوت کردم و هرچه بیشتر فراخواندم مردم بیشتر گریزان شدند هر گاه آنان را به آمرزش تو دعوت می کنم انگشت به گوش می کنند، لباس بر سر می کشند تا پیام مرا نشنوند و بر کردار خود اصرار می ورزند. به طور علنی و پنهانی آنان را خواندم و گفتم از پروردگارتان طلب آمرزش کنید چرا که او آمرزنده است اوست که باران بر شما فرو می فرستد و اموال و پسران به شما می دهد و باغ ها و نهرها برایتان فراهم می آورد.

نوح سپس آیات و نشانه های حق تعالی را در عالم آفرینش برایشان بازگو کرد. اما باز هم بیدار نشدند و به یکدیگر سفارش می کردند که از بت های خود دست برندارید. آنان در گناهان غوطه ور شدند و سرانجام اهل جهنم گشتند.

در این هنگام نوح دست به دعا برداشت و به پروردگار عرضه داشت :

رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا # انك ان تذرهم یضلوا عبادك ولایلدوا الا فاجرا کفارا # رب اغفرلی ولوالدی و لمن دخل بیتی مؤ منا و للمؤ منین و المؤ منات و لاتزد الظالمین الا تبارا (۵) .

بارالها، از کافران بر روی زمین هیچ کسی باقی نگذار. اگر آنان را رها کنی بندگان تو را گمراه می کنند و به جز تبه کار کافر فرزندی نیاورند. بارالها، مرا و پدر و مادرم و هر مؤ منین را که به خانه ام وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و بر نابودی ستمگران بیفزا.

۳. خداوند در سوره قمر می فرماید:در دوران گذشته قوم نوح بنده ما را تکذیب کردند و گفتند او دیوانه و جن زده است. نوح هم دست به دعا برداشت و خداوند را خواند و چنین گفت :

این مغلوب فانتصر (٦) .

بارالها، من در هدایت مردم شکست خوردم ؛ تو خود مرا یاری فرما.

٤. در سوره مؤ منون آمده است :ما نوح را به سوی قومش فرستادیم ، او به مردم گفت : ای قوم من خداوند را بپرستید به جز او برای شما خدایی نیست ، آیا پروا نمی کنید؟.

گروه کافران گفتند:نوح چون شما بشر است که می خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر خداوند می خواست پیامبری بفرستد فرشتگانی را به پیامبری می فرستاد نوح دیوانه است.

در این هنگام نوح دست به دعا برداشت و گفت :

رب انصرنی بما کذبون (۷) ؛

خداوند می فرماید:به نوح وحی کردیم که زیر نظر و راهنمایی ما کشتی ساز، و هر گاه فرمان رسید و

آب از تنور فوران کرد از هر يك از حيوانات دو عدد و خانواده ات را سوار بر کشتی کن ، و هر گاه تو و همراهان در کشتی مستقر شديد بگو:

الحمدلله الذی نجينا من القوم الظالمين # و قل رب انزلنی منزلا مباركا و انت خيرالمنزلين (٨) ؛

حمد برای خدايی است که ما را از دست ستمکاران نجات داد وبگو: بارالها، مرا در منزلگاهی مبارك جای ده (زيرا) تو بهترين فرود آورندگانی.

پيامبر گرامی صلی الله عليه و آله به حضرت علی عليه السلام فرمود:ای علی هرگاه در جايی منزل کردی بگو: اللهم انزلنی منزلا مباركا و انت خير المنزلين ؛ چرا که خير و خوبی آن منزل روزی تو می شود و شر و بدی آن از تو دور می شود (٩) .

در حديثاربع مائةکه علی عليه السلام چهارصد سخن کوتاه و نغز در آداب زندگی و بندگی برای يارانش بيان فرمود، آمده است :هرگاه جايی منزل کرديد بگوييد: اللهم انزلنا منزلا مباركا و انت خيرالمنزلين (١٠) .

۵. نوح ٩۵٠ سال در ميان مردم تبليغ يکتا پرستی و پاکی و درستی کرد. اما ده قرن تبليغ و دعوت آن مردم خفته جاهل را بيدار نکرد و به هوش نياورد. و از همه بذر توحيد و خداپرستی به جز بسيار اندك در دل سخت تر از سنگ آنان جوانه نزد و به بار ننشست افزون بر آن پيامبر الهی را به باد استهزاء می گرفتند و تهمت هايی که خود شايسته آن بودند به او می بستند و مؤ منان همراه او را مردمانی پست می خواندند...

با چنين پيشينه عصيان و تبه کاری است که بفرمان الهی از آسمان باران شديد باريدن می گيرد و از جای جاری زمين چشمه ها می جوشد و سيل و طوفان همه جا را فرا ميگيرد.

نوح که از پيش آماده چنين شرايطی است ؛ به مؤ منان و همراهان خود می گويد تا بر کشتيی که به دست خود او ساخته شده است سوار شوند. نوح به هنگام سوار شدن بر کشتی می گويد:

بسم الله مجريها و مرسيها ان ربی لغفور رحيم (١١) .

به نام خداست حرکت و توقف کشتی ؛ به درستی که پروردگارم آمرزنده و مهربان است .

در اين هنگام ، آب از آسمان و زمين به هم می پيوندد و همه جا را می گيرد و همه نابکاران سيه روز را در کام خود فرو می کشد در حالی که نوح و همراهانش بر کشتی نجات سوارند و بر سطح آب در حرکتند. وقتی که آب همه جا را فرا گرفت و همه گمراهان لجوج را به کام مرگ کشيد فرمان الهی بر توقف باران و جوشش زمين صادر می شود و کشتی نوح بر کوه (جودی ) آرام می يابد. در اين ميانه نوح که پسر نادرستش را در ميان غرق شدگان می بيند دست به دعا برميدارد و می گويد:

رب ان ابنی من اهلی و ان وعدك الحق و انت احکم الحاکمين (١٢) .

بارالها، پسرم از خانواده من است (و تو وعده داده بودی که خانواده مرا نجات دهی ) و وعده تو حق است و تو احکام الحاکمين هستی .

خداوند فرمود:ای نوح ، او از خاندان تو نيست ، او ناشايست است آنچه را که به آن آگاهی نداری از من مخواه ، من تو را پند ميدهم ، مبادا از جاهلان باشی.

نوح به خود آمد و گفت :

رب انی اعوذ بك ان اسئلك ما لیس لی به علم ، و ان لاتغفر لی و ترحمنی اکن من الخاسرین (۱۳) .

بارالها، من به تو پناه می برم از این که چیزی را که به آن آگاهی ندارم از تو بخواهم اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود.

دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام ۱. حضرت ابراهیم یکی از پیامبران بزرگ الهی است . او از برجستگان دعوت به توحید در طول تاریخ و پدر بسیاری از پیامبران است .

در زمانی برانگیخته شد که مردم سخت در بت پرستی بودند و بتهای گونه گون را پرستش و احترام می کردند. آن حضرت با مردم گفت و گو می کرد و بی خاصیتی و پوچی بت ها را برای آنان شرح می داد. آنان در برابر سخنان حکیمان ابراهیم خلیل علیه السلام یك حرف داشتند و آن این بود که :پدران ما این گونه می کردند و ما هم به راه آنان می رویم.

ابراهیم گفت :خدا آن است که پروردگار هستی است . او که مرا آفرید و هدایتم می کند او که مرا طعام و نوشیدنی میدهد و هرگاه بیمار شدم شفایم می دهد. او که مرا می میراند و سپس زنده می کند او که امیدوارم در روز قیامت گناه مرا بیامرزد.

سپس ابراهیم دست به دعا برداشت و گفت :

رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین # و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین # و اجعلنی من ورثة جنة النعیم # و اغفر لابی انه کان من الضالین# و لاتخزنی یوم یبعثون (١٤) ؛

بارالها، به من حکمت ده و مرا به نیکوکاران بپیوند. و نام نیك مرا در امت های بعدی قرار ده . و مرا از وارثان بهشت نعیم قرار ده . و پدرم را بیامرز چرا که از گمراهها بود و در روز قیامت مرا رسوا مساز (١٥) .

۲. اسوه و الگو در سازندگی یا نابودی شخصیت انسان نقش حیاتی دارد. قرآن کریم که کتاب سازندگی و تربیت انسان هاست به این معنی مهم بسیار پرداخته است . یاد انسانهای بزرگ چون پیامبران و دیگر شخصیت های مثبت و نیز یاد افراد گمراه و بدفرجام به منظور عبرت گرفتن و سرمشق یافتن در قرآن کریم آمده است .

کلمهاسوهسه بار در قرآن مجید به کار رفته است : یك بار درباره پیامبر اسلام (١٦) یکبار در مورد حضرت ابراهیم و مؤ منان همراه (١٧) و نوبت سوم درباره یاوران حضرت ابراهیم (١٨) .

خداوند در قرآن کریم می فرماید:ابراهیم و یاران او اسوه ای نیکو برای شمایند هنگامی که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به غیر خدا می پرستید بیزاریم و راه شما را رد می کنیم ، و بین ما و شما دشمنی و کینه همیشه خواهد بود، تا آن گاه که به خداوند بی شریك ایمان آورید. مگر سخن ابراهیم که به پدرش گفت : من به زودی برای تو استغفار می کنم و عذاب الهی را از تو نمیتوانم بگردانم.

دعای ابراهیم و یارانش این بود:

ربنا علیك توکلنا و الیك انبنا و الیك المصیر# ربنا لاتجعلنا فتنة للذین کفروا واغفرلنا ربنا انك انت العزیز الحکیم (١٩) .

بارالها، بر تو توکل کردیم و به فرمان تو بازگشتیم و بازگشت به سوی تو است . بارالها ما را برای کافران هدف قرار مده و ما را بیامرز به درستی که تو توانا و حکیمی .

امام صادق علیه السلام در تفسیرربنا لاتجعلنا فتنة للذین کفروافرمود:

در گذشته تمام افراد با ایمان فقیر بودند ( و زیر فشار و اذیت و آزار کافران به سر میبردند) و تمام کافران ثروتمند بودند، تا آن که ابراهیم علیه السلام آمد و این چنین دعا کرد: ربنا لاتجعلنا فتنة للذین کفروا. آنگاه خداوند در میان مؤ منان ثروت و فقر قرار داد و در میان کفار نز ثروت و فقر قرار داد (۲۰) .

۳. بحث و گفتگوی ابراهیم علیه السلام با بت پرستان بی نتیجه ماند. چرا که هر چه ابراهیم با آنان به سخن می نشست آنان بیشتر بر گمراهی خود اصرار می ورزیدند.

ابراهیم با خود گفت : شاید اجرای یك صحنه آنان را هشیار کند. در یك روز عید که همه مردم از شهر خارج شده و به گشت و گذار تفریح رفته بودند ابراهیم وارد بتخانه شد تبر را به دست گرفت و همه بتها را شکست و تنها بت بزرگ را سالم گذارد تبر را به دوش بت بزرگ نهاد و از بتکده خارج شد. مردم از گلگشت و تفریح بازگشتند به سوی بتهای خود رفتند و آنها را شکسته یافتند. با تفحص و جست و جو دریافتند که این کار، کار ابراهیم است .

از ابراهیم بازجویی کردند ابراهیم در پاسخ آنان گفت :بت بزرگ دست به چنین کاری زده است !.

ابراهیم این سخن را به این منظور گفت که شاید آنها به خود آیند و بنگرند بت که سخن نمی گوید و فهم و شعور ندارد و نمی تواند ضرر را از خود دور کند و به دیگران آسیبی برساند، چگونه می تواند خدای هستی باشد؟

اما این صحنه هم ذهن بسته آنان را بیدار نکرد و تقلید کور کورانه از پدران نادان خود را بر اندیشه و تفکر ترجیح دادند.

از این رو، آتشی عظیم افروختند، و ابراهیم را در آن پرتاب کردند. اما اراده حق تعالی این چنین بود که ابراهیم سالم بماند؛ چرا که هنوز دوره هایی از ماءموریتش برای هدایت و ارشاد خلق و ساختن کعبه اجرا نشده بود.

ابراهیم که دعوت و تبلیغ را در آن سرزمین بی ثمر دید، از میان آن مردم بیرون رفت و گفت :از من این سرزمین به جایی که پروردگارم بخواهد می روم ، او مرا هدایت می کندآنگاه رو به سوی سرزمین فلسطین نهاد.

ابراهیم که پس از سالها ازدواج و رسیدن به سن پیری هنوز فرزندی داشت دست به دعا برداشت و گفت :

رب هب هلی من الصالحین (۲۱) ؛

بارالها از نیکوکاران (فرزندی ) به من عطا کن .

خداوند هم به او بشارت داد که دعایت مستجاب شد و پسری بردبار به تو خواهم داد و به زودی اسماعیل به دنیا چشم گشود.

٤. پس از آن که ابراهیم علیه السلام به فلسطین هجرت کرد خداوند به او و هاجر، اسماعیل را عطا کرد. اما بر اثر اصرار ساره مجبور شد که اسماعیل و مادرش هاجر را به سرزمین دیگر برد. ابراهیم و هاجر و اسماعیل رفتند تا به مکه رسیدند، و به راهنمایی جبرئیل همان جا توقف کردند. ابراهیم سایبانی برپا کرد و خانواده اش را در آن پناه داد و خود به سوی فلسطین بازگشت .

اراده الهی اینچنین تعلق گرفت بود که ابراهیم از ساره هم فرزند داشته باشد.

پس ساره به اسحاق باردار شد. اسماعیل و مادرش در مکه و اسحاق و مادرش در فسلطین به سر می بردند و ابراهیم خلیل هم بین این دو سرزمین در رفت و آمد بود. فلسطین جای خوش آب و هوا و سرزمین حاصلخیز بود اما در مکه نه آب بود و نه گیاه ، نه درخت و نه زمین هموار.

ابراهیم که به فرمان الهی در چنان جای کوهسار و خشك و بی آب و گیاه ، خانواده اش را مسکن داده بود دلش شکست و حالش  دگرگون شد دست به دعا برداشته گفت :

رب اجعل هذا البلد آمنا و اجنبنی وبنی ان نعبد الاصنام # رب انهن اضللن کثیرا من الناس فمن تبعنی فانه من و من عصانی فانك غفور رحیم # ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتك المحرم ربنا لیقیموا الصلاة فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم و ارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون # ربنا انك تعلم ما نخفی و ما نعلن و ما یخفی علی الله من شی ء فی الارض و لا فی السماء # الحمد لله الذی و هب لی علی الکبر اسماعیل و اسحق التی ربی لسمیع الدعاء # رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء # ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤ منین یوم یقوم الحساب (٢٢) ؛

بارالها، این سرزمین را امنیت ده و من پسرانم را از پرستش بت ها دور دار. بارالها، بت پرستان بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس  هر که مرا پیروی کرد از من است و هر کس نافرمانی من کرد پس تو آمرزنده مهربانی بارالها من برخی از فرزندانم را در سرزمین بدون زراعت مکه نزد خانه محترم تو ساکن کردم ، تا نماز را به پا دارند. پس دلهای جمعی از مردم را میل و محبت آنان ده ، و از میوه ها آنان را روزی ده ، باشد که شکرگزارند. بارالها، آنچه ما مخفی یا آشکار کنیم تو می دانی ، و هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست حمد برای خداست که به سن پیری اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. همانا پروردگارم شنونده دعاست . بارالها من و بعضی از فرزندانم را بر پا دارنده نماز قرار ده ، بارالها، دعای مرا بپذیر. بارالها، بیامرز مرا و پدر و مادرم و مؤ منان را در روزی که حساب برپا می شود.

٥. انتخاب مکه برای سکونت اسماعیل و هاجر به فرمان خدا بود و ابراهیم به این منزلگه رضا داد لیکن مکه جای آبادی نبود و میوه و حبوبات در آن تولید نمی شد. این است رمز این که ابراهیم باز هم دعا می کند و می گوید:

رب اجعل هذا بلدا امنا و ارزق اهله من الثمرات من ءامن منهم بالله و الیوم الاخر (٢٣) ؛

بارالها، این سرزمین را امن قرار ده ، و اهل آن را از میوه ها روزی ده ؛ مردمی که ایمان به خدا و روز قیامت آورند.

خداوند متعال هم به دعای ابراهیم پاسخ مثبت داد و گفت :هر کس کفر ورزد مدتی کوتاه در این دنیا او را بهره دهم و آنگاه او را به سوی عذاب جهنم کشانم که بد جایی است.

امام باقر علیه السلام فرماید:بر اثر این دعاست که میوه ها از سرزمین های دیگر به سوی مکه برده می شود (٢٤) ؛

٦. اسماعیل در مکه بالید و برآمد، و ابراهیم بین مکه و فلسطین در رفت و آمد بود. خانه کعبه اولین عبادتگاه در روزی زمین و از دیر باز محل پرستش خدای متعال و راز و نیاز با او بوده است . لیکن دیر زمانی بود که ویران شده و از یادها رفته بود. ابراهیم به فرمان الهی ماءمور تجدید بنای کعبه شد. او با کمك اسماعیل به این ماءموریت پرداخت . پایه ها بالا رفت و خانه حق برای طوف کنندگان و عبادت کنندگان مهیا شد.

ابراهیم و اسماعیل دست به دعا برداشتند:

ربنا تقبل منا انك انتاالسمیع العلیم # ربنا و اجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمة لك و ارنا مناسکنا و تب علینا انك انت التواب الرحیم # ربنا و ابعث فهیم رسولا منهم یتلوا علهیم آیاتك و یعلمهم الکتاب والحکمة و یزکیهم انت العزیز الحکیم (۲۵) ؛

بارالها، از ما بپذیر تو شنوا و دانایی .

بارالها، ما دو را تسلیم خود قرار ده و از فرزندان ما نیز تسلیم امر تو باشند، عبادات ما را به ما بیاموز و توبه ما را بپذیر، تو توبه پذیر مهربانی .

بارالها، در میان فرزندان ما پیامبری برگزین که آیات تو را بر مردم بخواند و کتاب حکمت به آنان آموزد و آنها را تزکیه کند؛ همانا تو عزیز و حکیمی .

نکته در آیه ۱۲۹ سوره بقره ملاحظه شد که ابراهیم و اسماعیل از خداوند خواستند در میان امتی از ذریه آنان پیامبری برگزین که آیات الهی را بر مردم بخواند و کتاب و حکمت به آنان آموزد و آنان را تزکیه کند، این دعای ابراهیم و اسماعیل چه زمانی مستجاب شد؟

در حدیث آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:انا دعوة ابی ابراهیم؛ (٢٦)

من به واسطه دعای پدرم ابراهیم به دنیا آمدم و مبعوث شدم.

بنگر بین زمان دعای ابراهیم ، و مستجاب شدن آن و به دنیا آمدن و مبعوث شدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله چقدر فاصله است !و از تاءخیر استجابت دعا ماءیوس مشو.

دعای حضرت لوط علیه السلام لوط که در زمان حضرت ابراهیم می زیست پسر برادر آن حضرت و پیامبران هلی در شهر سدوم بود او مردم شهر خود را به توحید و پاکی و درستی دعوت می کرد. ثمره ده ها سال تبلیغ و فراخوانی او، گرایش افرادی اندك بود. در میان مردم آن شهر، فساد اخلاق و آلودگی به اوج رسید به گونه ای که پیشتر سابقه نداشت . لوط که مردم را از گناه باز میداشت ، تهدیدش کردند که اگر از تبلیغ دست برندارد او را از شهر بیرون می کنند. و گاه به نشانه تمسخر به او می گفتند: اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور. لوط دست به دعا برداشت و گفت :

رب انصرنی علی القوم المفسدین (۲۷) ؛

بارالها، مرا بر قوم تبه کار و هرزه پیروز فرما؛

لوط به مردم اعلام کرد من با کردار ناشایست شما دشمنم و دست به دعا برداشت و گفت :

رب نجنی و اهلی مما یعلمون (۲۸) ؛

بارالها، من و خاندانم را از کردار ناشایست آنها نجات بخش .

عذاب الهی بر آن مردم در رسید. لوط و خاندان و پیروان اندکش شبانه از شهر بیرون رفتند و صبحگاهان فرشتگان الهی عذاب آسمانی را بر مردم فاسق و تبه کار شهر سدوم فرود آوردند.

دعای سربازان طالوت یکی از داستانهای قرآنی داستان طالوت و جالوت است . بنی اسرائیل پس از دوره حضرت موسی علیه السلام به پیغمبر خود می گویند:فرماندهی را بر ما بگمار تا به فرمان او در راه خدا پیکار کنیم. از جانب حق تعالی ، طالوت به فرماندهی آنان گماشته می شود. در آغاز آنان از این انتصاب رخ برمیتابند و نمی پذیرند. سرانجام با تاءکید پیامبر الهی به آن تن می دهند و در رکاب او برای نبرد با جالوت کافر تبهکار و لشکر او حرکت می کنند.

دو لشکر مقابل یکدیگر صف آرایی می کنند و آماده نبرد می شوند. سربازان موحد طالوت در این هنگام دست به دعا برمیدارند و می گویند:

ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین (۲۹) ؛

بارالها، صبر و پایداری بر ما فرو ریز، و گامهای ما را استوار دار و ما را بر کافران پیروز فرما.

و سپس به کارزار می پردازند، موحدان پیروز، و کافران فراری می شوند.

دعای سلیمان علیه السلام برای حکومتی بی نظیر سلیمان و پدرش داوود از پیامبران الهی بودند که خداوند در قرآن کریم از آنان به نیکی یاد می کند. از آن جا که سلیمان علیه السلام شیفته اسب بود، لشکریان او مسابقه اسب دوانی ترتیب داده بودند تا برای نبرد با دشمن آماده باشند، و سلیمان از آن سان می دید. مسابقه به درازا کشید و وقت فضیلت نماز سپری شد، خداوند که خواست سلیمان را بیازماید، جنازه ای بر تخت او افکند. سلیمان به درگاه الهی رو کرد و دست به دعا برداشت و گفت :

رب اغفرلی و هب لی ملکا لاینبغی لاحد من بعدی انك انت الوهاب (۳۰) ؛

خداوندا مرا بیامرز وحکومتی به من ببخش که شایسته هیچ کس پس از من نباشد، همانا تو بسیار عطا کننده ای .

خداوند متعال هم خواست او را بر آورد و حکومتی بی نظیر به او عطا کرد. پس از گذشت هزاران سال هنوز هم داستان ملك سلیمان بر سر زبانهاست و از آن بزرگی و عظمت یاد می شود.

دعای سلیمان علیه السلام برای توفیق بر شکر نعمت های الهی در دعای پیشین گفتیم که خداوند حکومتی بی نظیر به سلیمان داد.

گرچه بسیاری از مردم آنگاه که به قدرت و ثروت می رسند خداوندی در که صاحب نعمت است فراموش می کنند، اما سلیمان هرگاه به نعمت های مادی و معنوی که خداوند به او و پیش تر به پدرش حضرت داود داده بود نظر می افکند می گفت : این را فضل و کرامت خدای من است به من نعمت داده تا ببیند سپاسگزاری یا ناسپاسی اش می کنم .

روزی سلیمان با لشکریانش از سرزمینی می گذشتند و شنید که مهتر مورچگان به مورچگان گفت : به لانه های خود بروید مبادا سلیمان و لشکریانش شما را لگد مال کنند. سلیمان که زبان همه موجودات را می دانست تا این سخن را شنید به خنده آمد و دست به دعا برداشت و چنین گفت :

رب اورعنی ان اشکر نعمتك التی انعمت علی وعلی والدی و ان اعمل صالحا ترضیه و ادخلنی برحمتك فی عبادك الصالحین (۳۱) ؛

بارالها، به من الهام کن نعمتهایی را که به من و به پدر و مادرم داده ای سپاس و شکر بگذارم ، کارهای نیك که مورد پسند تو باشد انجام دهم و از سر لطف و رحمت خود، مرا در زمره بندگان نیکوکارت قرار ده .

داود و سلیمان علیهما السلام حمد الهی کردند حمد وسپاس کسی که کمك و یاری کرده است پسندیده و لازم است و چه کسی چون خداوند بذل و بخشش و احسان می کند!او که هر چه نعمت و توان و کمال درایم از اوست . خداوند به دو پیامبرش داود و سلیمان نعمت های فراوانی داد و برخی نعمت ها به آن دو داد که به دیگران نداد به داوند علم قضاوت داد و آهن را در دست او نرم کرد و به سلیمان آشنایی به زبان پرندگان و حیوانات تسخیر شیاطین و جن ، هوانوردی و حکومت بی مانند داد. لیکن آن دو پیشوای موحدان سپاس حق گزاردند و گفتند:

الحمد الله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤ منین (۳۲) ؛

حمد و سپاس از آن خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤ منش برتری داد.

دعای بلقیس ملکه سبا خداوند به سلیمان حکومتی بی نظیر عطا کرد. پرندگان نیز در تسخیر سلیمان بودند. روزی سلیمان در میان پرندگان ، هدهد را ندید. زمانی نگذشت که هدهد باز آمد و گفت : از سرزمین سبا برای تو خبری آورده ام . در آن جا زنی با امکانات بسیار و تختی عظیم حکم می راند و مردم آن در برابر خورشید سجده می کنند.

سلیمان نامه ای به ملکه آن سرزمین می نویسد و هدهد آن را به مقصد می رساند. ملکه پس از رایزنی و مشورت با سران ، هدیه ای برای سلیمان می فرستد که سلیمان آن را نمی پذیرد.

پس از گذشت زمان و مراحلی ملکه به سوی دربار سلیمان بار سفر می بندد و وارد کاخ سلیمان می شود و به نشانه توبه و ایمان می گوید:

رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین (۳۳) ؛

بارالها، من بر خودم ستم کردم و با سلیمان به خداوند عالمیان ایمان آوردم .

دعای حضرت ایوب علیه السلام ایوب یکی از پیامبران الهی است که به خاطر صبرش زبانزد همگان است خداوند به ایوب نعمت بسیار داده و او هم به طاعت الهی کمر بسته و شکرگزار نعمت های الهی بود. شیطان به بندگی ایوب حسد برد و گفت : خداوندا، اگر ایوب فرمانبر است به خاطر نعمتهایی است که به او داده ای ، وگرنه فرمان نمی برد.

سرانجام ، زمینه و زمان آزمایش ایوب فرا رسید و گرفتار امتحان الهی شد.

ایوب ثروت و مکنت و فرزندان را یکی پس از دیگری از دست داد. در تمام مراحل این آزمایش بزرگ ، صبر ایوب بر حوادث و پیشامدهای تلخ چیره شد و آن گاه که نیمه جانی بیش برایش نمانده بود دست به دعا برداشت و چنین گفت :

انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین (۳٤) ؛

بارالها، ضرر و زیان به جان من رسید و تو ارحم الراحمین هستی .

شیخ طبرسی گوید:این سخن ایوب ، کنایه ای ظریف برای طلب حاجات است (۳۵) .

در آیه دیگر آمده است که ایوب چنین گفت :

انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب (۳٦) ؛

پروردگارا، شیطان باسختی و رنج و عذاب به سراغ من آمد.

به هر حال دعای ایوب مستجاب شد و از این امتحان بزرگ سربلند برآمد و بر شیطان و پیروانش روشن شد که ایوب در شادی و غم ، دارایی و نداری ، تندرستی و بیماری خداپرست و خدا دوست است .

ندا رسید:با پایت زمین را بخراش ، چشمه ای برمی آید، که آبش بیماری های تو را مداوا می کند و هم نوشیدنی گوارا برای تو است. خداوند سلامتی را به او برگرداند و از فرزندان و خاندان دو چندان به او عنایت کرد. ثروت و مکنت رفته باز آمد و زندگی او بیش از پیش رونق یافت .

درباره تفسیراز فرزندان دو چندان به او عنایت کرداز امام صادق علیه السلام پرسیدند، آن حضرت فرمود:علاوه بر فرزندانی که در این امتحان بزرگ از دنیا رفته بودند، فرزندانی که پیش از آن هم از ایوب وفات یافته بودند، زنده شدند (۳۷) ؛

دعاهای حضرت یوسف علیه السلام ۱. یکی از پیامبران الهی یوسف است . داستان یوسف در قرآن کریم بلند و پرنکته است . حسد برادران را وادار می کند که او را به چاه بیندازند. قافله ای

سر می رسد و دلو را در چاه می افکنند تا آب بکشند و استفاده کنند. ناباورانه می نگرند به جای آب ، نوجوانی زیبا از چاه سر برآورد. او را به بردگی می گیرند و در مصر به فروش می رسانند. یوسف به عنوان برده به کاخ عزیز مصر راه می یابد و زلیخا همسر عزیز شیفته یوسف می شود و می خواهد از او کام گیرد.

یوسف پاکدامن پیغمبر زاده ، به گناه تن نمی دهد. او را تهدید به زندان می کنند. یوسف دست به دعا برمیدارد و می گوید:

رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و الاتصرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من الجاهلین (۳۸) ؛

بارالها، زندان برای من دوست داشتنی تر است از گناهی که مرا به سوی آن فرا می خوانند، اگر مکر زنان را از من مگردانی با آنان درآمیزم و از جاهلان خواهم بود.

خداوند هم دعای او را مستجاب فرمود و مکر زنان دربار را از او بگرداند. پس یوسف را زندانی کردند.

۲. یوسف مدتی را در زندان می گذراند. سالها و حکایت ها می گذرد تا آن که برای تعبیر خواب پادشاه مصر در زندان به نزد او می آیند. یوسف از موقعیت استفاده می کند، از بی گناهی خود می گوید، و از سبب زندانی شدن خود جویا می شود.

پیام او را به پادشاه می رسانند. پادشاه زنان را حضار می کند. همه زنان ، به ویژه زلیخا همسر پادشاه ، برگناهکاری خود و بیگناهی یوسف گواهی میدهند. یوسف از زندان آزاد، مقرب دربار و وزیر دارایی و

اقتصاد می شود. در کنعان مردم دچار قحطی می شوند و برای تهیه آذوقه به سوی مصر رو می آورند، مصر که با تدبیر یوسف دارای انبارهای بزرگ غله شده است پذیرایی فرزندان یعقوب می شوند.

یوسف ، پدر و مادرش را احترام می کند و بر تخت می نشاند، و برادرانش در برابر او به خاك در می افتند و برای خداوند سجده می گزارند با پدید آمدن چنین صحنه ای ، خوابی که یوسف در نوجوانی دیده بود و به پدرش بازگو کرده بود تعبیر می شود. در چنین شرایطی یوسف دست به دعا برمیدارد و با خداوند چنین مناجات می کند:

رب قد آتیتنی من الملك و علمتنی من تاءویل الاحادیث فاطر السموات و الارض انت ولیی فی الدنیا و الاخرة توفنی مسلما و الحقنی بالصالحین (۳۹) ؛

بارالها، تو به من ریاست دادی ، و تعبیر خواب را تو به من آموختی ، ای آفریننده آسمانها، و زمین ، تو ولی و سرپرست منی در دنیا و آخرت ، مرا مسلمان بمیران و به نیکوکارانم بپیوند.

دعای حضرت یونس علیه السلام حضرت یونس یکی از پیامبران الهی بود او زمانی دراز مردم را به توحید و یکتاپرستی فرا خواند. لیکن این دعوت و تبلیغ طولانی مردم را به راه نیاورد و آنان همچنان بر کفر خود لجاجت می کردند. در این هنگام که یونس از جهل و کفر آنان به خشم آمده بود پیش از آن که از خداوند اجازه گیرد از شهر خارج شد و سر به بیابان گذاشت . رفت تا به دریا رسید. به قدرت الهی یك ماهی بزرگ دهان باز کرد و یونس را بلعید. یونس بدون آن که در شکم ماهی هضم شود زندانی شد و دانست این سزای آن است که بدون اذن الهی ، ماءموریت خود را رها کرده است .

در چنین شرایطی با دلی شکسته و قطع امید از همه جا، دعا کرد و گفت :

لااله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین (٤٠) ؛

خدایا، معبودی به جز تو نیست ، منزهی از هر عیب به درستی که من از کسانی هستم که بر خود ستم کردم .

خداوندا در قرآن کریم می فرماید:ما دعای او را مستجاب کردیم .

و او را از غم نجات دادیم ، و این چنین همه مؤ منان را نجات میدهیم.

حضرت یونس که از شکم ماهی و دریای عمیق نجات یافته بود، به محل ماءموریت خود باز آمد و مردم هم که در غیاب او به خود آمده بودند به گرد او جمع شدند و راه پاکی و خداپرستی در پیش گرفتند.

چند نکته ۱. خداوند در پایان داستان یونس می فرماید:و کذلك ننجی المؤ منین ؛ ما این چنین مؤ منان را از غم و گرفتاری نجات می دهیمگویا داستان یونس برای این در قرآن آمده است که این قانون کلی و سنت همیشگی الهی بازگو شود: نجات مؤ منان گرفتار، برنامه دائمی خداست ، که در همه زمانها و مکانها و در تمام نسل ها جاری است .

پر واضح است که این بشارت و مژده ای برای همه ماست .

پیامبر گرامی ما فرمود:آیا شما را راهنمایی کنم به اسم اعظم الهی ، که هر گاه خداوند با آن اسم خوانده شود جواب دهد، و هر گاه با آن اسم از خداوند درخواست شود پاسخ دهد؟ آن دعای یونس است که در تاریکی ها خواند:لااله الاانت سبحانك انی کنت من الظالمین.

مردی پرسید: ای رسول خدا! آیا این دعا مخصوص یونس بود یا برای همه مؤ منان است ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:آیا نشنیدی بقیه آیه را:و کذلك ننجی المؤمنین (٤١) ؛

٢. عارفان الهی به دعای حضرت یونس اهمیت فراوان میدهند، و بدان اهتمام ورزند و آن را ذکر یونسیه نامند.

٣. دعاهای معصومان علیهم السلام ریشه قرآنی دارد. چرا که آنان فرزندان قرآنند و از معرفت زلال قرآنی بهره مندند. امام حسین علیه السلام با اقتباس از دعای حضرت یونس ، در دعای عرفه گوید:

لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من المستغفرین لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الموحدین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الخائفین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الوجلین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الراجین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الراغبین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من المهللین لا اله الا انت سبحانك انی کنت من السائلین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من المسبحین . لا اله الا انت سبحانك انی کنت من المکبرین . لا اله الا انت سبحانك ربی و رب آبائی الاولین؛

به جز تو خدایی نیست ، منزهی از عیب من از ستمکارانم به جز تو خدایی نیست منزهی تو، من از استغفار کنندگانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو، من از یکتا پرستانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی ، من از بیمناکان از عذاب توام . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو من از افراد ترسانم . به جز تو خدایی نیست منزهی تو، من از امیدوارانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو من از آرزومندم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو، من از لااله الا الله گویانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو من از گدایانم به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو، من از تسبیح گویانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو، من از الله اکبر گویانم . به جز تو خدایی نیست ، منزهی تو که پروردگار من و پروردگار پدران پیشین منی .

چند حدیث در فضیلت این دعا ١. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله :هر بیمار مسلمانی که این دعا را بخواند، اگر در آن بیماری (بهبودی نیافت و) مرد پاداش شهید به او داده می شود و اگر بهبودی یافت خوب شده در حالی که تمام گناهانش آمرزیده شده است (٤٢) .

٢. رسول خدا صلی الله علیه و آله :آیا به شما خبر دهم از دعایی که هرگاه غم و گرفتاری پیش آمد آن ادعا را بخوانید گشایش  حاصل شود؟اصحاب گفتند: آری ای رسول خدا. آن حضرت فرمود:دعای یونس که طعمه ماهی شد: لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین (٤٣) .

٣. امام صادق علیه السلام :عجب دارم از کسی که غم زده است چطور این دعا را نمی خواند لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمینچرا که خداوند به دنبال آن می فرماید:فاستبجنا له و نجیناه من الغم و کذلك ننجی المؤ منین(ما او را پاسخ دادیم و از غم نجات دادیم و این چنین مؤ منان را نجات می دهیم ) (٤٤) .

٤. مرحوم کلینی نقل می کند: مردی خراسانی بین مکه و مدینه در ربذه به امام صادق علیه السلام برخود و عرضه داشت : فدایت شوم من تا کنون فرزنددار، نشده ام ، چه کنم ؟

حضرت فرمود:هرگاه به وطن برگشتی و خواستی به سوی همسرت روی آیه ،و ذالنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمینرا تا سه آیه بخوان ان شاء الله فرزنددار خواهی شد (٤٥) .

دعای اصحاب کهف داستان اصحاب کهف را خوانده و شنیده ایم . گروهی از جوانان موحد و خداپرست که از جو کفرآمیز جامعه و حکومت پلید زمان نفرت دارند و به خشم آمده اند راهی کوه و بیابان می شوند تا بتوانند با آزادی خدا را عبادت کنند و با حق تعالی انس گیرند. وقتی که مسیر را پیمودند و به غار پناه بردند، در آن جا دست به دعا برداشتند و چنین گفتند:

ربنا اتنا من لدنك رحمة و هیی ء لنا من امرنا رشدا (٤٦) ؛

بارالها از نزد خودت به ما رحمت ده و رشد و پیشرفت در کار برای ما مهیا کن .

طالبان رحمت الهی و راهیان رشد و ایمان و نیکبختی و هدایت الهی ، شایسته است این دعا را زمزمه کنند.

دعای حضرت شعیب علیه السلام شعیب یکی از پیامبران الهی بود که در راه ابلاغ توحید و هدایت مردم رنج ها برد و از نامردان و پیروان شرك و شیطان مصیبت ها کشید. مردمان مدین ، هم در اعتقادات و باورها دچار گمراهی و کج اندیشی بودند وهم در رفتارهای اجتماعی به بیراهه می رفتند وهم در داد و ستد اهل خیانت بودند. شعیب به فرمان الهی دامن همت به کمر زده به تبلیغ توحید ناب ، مبارزه با مفاسد اجتماعی و اقتصادی آنان می پرداخت .

امام مردمی که به باورهای باطل و عادتهای نادرست خو گرفته بودند، شعیب را تخطئه و از باورها و سنتهای خود دفاع می کردند. شعیب به آنان گفت :ان ارید الا الا صلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب (٤٧) ؛ من قصدی به جز اصلاح تا آن جا که بتوانم ندارم . موفقیت من به دست خداست ، بر او توکل کردم و به سوی او باز می کردم.

شعیب مردم را به توحید و توبه فراخواند و از این که عذاب الهی که بر امت های پیشین نازل شده ، بر آنان نیز نازل شود آنان را بیم داد.

اما آن مردم به جای هشیاری ، شعیب را تهدید کردند که اگر حرمت خویشانت نبود، تو را سنگسار می کردیم .

روشنگری و مبارزه فرهنگی فکری شعیب ادامه یافت تا آن هنگام که سران کفر و جهل ، شعیب و مؤ منان را بر سر دو راهی قرار دادند و گفتند:به آیین ما برگردید، وگرنه شما را از شهر بیرون میکنیمشعیب در پاسخ گفت :پس از آن که خدای متعال ما را از آیین شما نجات بخشید اگر به آن برگردیم بر خداوند افترا بسته ایمو سپس گفت :

وسع ربنا کل شی ء علما علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیرالفاتحین (٤٨) ؛

دانش پروردگار ما همه چیز را فرا گرفته است ، بر خداوند توکل کردیم ، بارالها، بین ما و این مردم به حق داوری کن ، و، تو بهترین داورانی .

نفرین شعیب مستجاب شد و عذاب الهی بر تبهکاران فرود آمد.

دعاهای حضرت موسی علیه السلام ١. یکی از داستانهای بلند قرآن کریم ، داستان موسی و فرعون است . خوابگزاران و منجمان به فرعون می گویند: به زودی فرزندی به دنیا می آید که تاج و تخت تو را نابود می سازد. با این خبر وحشتناك فرعون دست به کار می شود تا موسی به عرصه هستی قدم نگذارد اما به خواسته الهی و علم رغم خواسته فرعون ، موسی به دنیا چشم گشود و به اعجاز الهی در

دامن خود فرعون بالید و بزرگ شد و آنگاه که جوانی نیرومند شد خداوند به او علم و حکمت داد.

موسی ، یك روز خلوت داخل شهر شد دید دو نفر در حال نزاع و نبرد هستند، و یکی از آنان از پیروان اوست . آن که پیرو موسی بود موسی را به کمك خواست . موسی به یاری او شتافت و بر اثر ضربه موسی ، خصم از پا در آمد. در این هنگام موسی منقلب شد و دست به دعا برداشت و گفت :

رب انی ظلمت نفسی فاغفرلی (٤٩) ؛

بارالها، من بر خود ستم کردم مرا بیامرز.

خداوند هم او را آمرزید.

موسی باز هم دعا کرد و گفت :

رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیرا للمجرمین (٥٠) ؛

خداوندا، به خاطر نعمتی که به من دادی هیچگاه پشتیبان گنهکاران نخواهم بود.

صبح روز بعد موسی با بیم و هراس در شهر گردش میکرد. دید مرد دیروزی ، امروز هم با کسی درگیر است . باز هم موسی را به کمك خواست . طرف مقابل به موسی رو کرد و گفت : آیا می خواهی مرا بکشی آن چنان که دیروز دیگری را کشتی !تو زورگویی نه مصلح !

از آن طرف شهر مردی سر می رسد و می گوید: ای موسی !سران گرد آمده اند و برای کشتن تو نقشه می کشند، هر چه زودتر از شهر خارج شو!

موسی با احتیاط و مراقبت از شهر بیرون شد و چنین دعا کرد:

رب نجنی من القوم الظالمین (٥١) ؛

امیدوارم پروردگارم مرا به بهترین راه هدایت کند.

٢. موسی به شهر مدین رسید. در بیرون شهر مردمی را دید که در کنار چاهی جمع شده اند و از آن آب می کشند و گوسفندان را سیراب می کنند. موسی دید دو زن دورتر ایستاده اند و در انتظار به نزد آنان رفت و پرسید: چرا این جا ایستاده اید؟ آن دو جواب گفتند: وقتی که چوپان ها از چاه آب کشیدند و گله خود را آب دادند و دور شدند ما سر چاه می آییم ، آب می کشیم و گوسفندان خود را سیراب می کنیم .

موسی از سر وظیفه الهی و نوع دوستی به سر چاه آمد، برای آنان آب کشید و گوسفندان آنان را سیراب کرد آنان به راه افتادند و زودتر از هر روز به خانه رسیدند.

موسی که در مدین غریب بود و راه به جایی نمی برد، به زیر سایه ، درختی رفت تا بیاساید؛ و خستگی راه از تن به در کند و چون امکانات و آذوقه نداشت دست به دعا برداشت این چنین خدا را خطاب کرد:

رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر (٥٢) ؛

بارخدایا، من به هر آنچه بر من فرو فرستی محتاجم .

دعای موسی مستجاب شد دختران شعیب که زودتر از هر روز به خانه برگشته بودند ماجرای یاری جوانی ناشناس را برای پدر بازگفتند.

پدر یکی از آنان را به دنبال موسی فرستاد تا او را بیاورد موسی به خانه شعیب آمد از او پذیرایی کردند و چون توانایی و درستی و امانت او را دیدند او را به گرمی پذیرفتند، موسی داماد شعیب و صاحب همسر و زندگی شد.

گرچه در برخی روایات آمده است موسی در آن هنگام که این دعا را کرد به نانی محتاج بود، اما این دعا مخصوص نان و خوراکی نیست ، بلکه برای همه احتیاجات به کار می آید. دلیلش این است که موسی پس از این دعا صاحب همه چیز شد.

۳. موسی مدتی را که با شعیب عهد بسته بود در مدین بماند و سپس با خانواده و گله و دارایی خود رو به سوی وطن آورد تا به طور سینا رسید در آنجا، نوری از دور پدیدار شد. به سوی آن رفت تا برای گرم شدن همراهان از آن شعله ای برگیرد. آن نور حق تعالی بود که بر درختی تجلی کرده بود. در آن جا که بزرگترین حادثه زندگانی موسی که رسالت اوست رخ می نماید. موسی پیامبر شد و معجزه هم که دلیل صدق ادعای وی بود، به او عطا شد.

سرآغاز ماءموریت او، رفتن به دربار فرعون و هشدار و انذر و دعوت او به سوی خداوند متعال اعلام شد.

در این هنگام که موسی ماءموریت را دشوار یافت به درگاه الهی رو کرد و گفت :

رب اشرح لی صدری # و یسرلی امری # واحلل عقدة من لسانی # یفقهوا قولی # و اجعل لی وزیرا من اهلی # هرون اخی # اشدد به ازری # و اشرکه فی امری# کی نسبحك کثیرا# و نذکرك کثیرا# انك کنت بنا بصیرا (۵۳) ؛

بارالها سینه ام را گشاده دار. ماءموریتم را برایم آسان کن گره از زبانم بگشا. تا سخنم را بفهمند. از خاندانم برایم یاوری قرار ده که هارون برادرم باشد پشتم را به او محکم کن . و او را در ماءموریتم شریك کن . تا تو را تسبیح بسیار گوییم و بسیار تو را یاد کنیم . به درستی که تو با خبر و بینا بر احوال مایی .

خدای متعال پاسخ داد:ای موسی خواسته ات را برآورده ساختمسپس خداوندشیوه برخورد با فرعون را اینچنین به موسی به هارون آموخت :

به سوی فرعون روید، چرا که او را طغیان در پیش گرفته است به نرمی با او سخن گویید، شاید به خود آید یا بترسدموسی و هارون گفتند:

ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا و ان یطغی (٥٤) ؛

بارالها ما می ترسیم بر ما ستم کند یا راه طغیان و نافرمانی پیش گیرد.

خداوند پاسخ داد:نترسید من با شمایم ، آنچه پیش آید می شنوم و می بینم.

دعاهای قرآن دعای ساحران مؤ من موسی و هارون به فرمان الهی رهسپار دربار فرعون شدند و به فرمان پروردگار به نرمی با او سخن گفتند از آزادی بنی اسرائیل عذاب قیامت خداشناسی نعمت های

الهی مرگ معاد و آیات دیگر الهی برایش گفتند و معجزات الهی را به او نشان دادند.

فرعون ، معجزات الهی را سحر و موسی دانست و روز عید را برای مبارزه با آن تعین کرد.

فرعون داناترین ساحران را گرد آورد و به آنان دلگرمی و وعده داد که اگر موسی را شکست دادند از مقربان او خواهند شد.

روز عید فرا رسید. همه در مکان مقرر گرد آمدند تا مبارزه ساحران نامدار را با موسی و هارون ببینند. در آغاز ساحران به سحر پرداختند به گونه ای که موسی بترسید. ناگهان ندا آمد:ای موسی ، نترس ، تو برتری ، عصایت را بینداز تا ساخته های ساحران را ببلعد.

موسی به فرمان خدا دست به کار شد عصایش را افکند در دم به اعجاز الهی سحر ساحران را ببلعید و کاری کرد که ساحران و فرعون به سجده در افتادند و به حقانیت خداوند و صدق موسی و هارون و پوچی ادعای خدایی فرعون گواهی دادند.

فرعون رو به آنان کرد و گفت : پیش از آن که من به شما اجازه دهم به خدا ایمان آورید؟ این نقشه را طرح کردید که مردم را پراکنده و از شهر بیرون کنید؛ به زودی خواهید فهمید!دست و پایتان را برعکس یکدیگر می برم و همه شما را به دار می آویزم .

ساحران تازه ایمان آورده گفتند: ما به سوی پروردگارمان برمیگردیم ، و تو که ما را مجازات میکنی برای آن است که ما وقتی معجزه الهی را دیدیم ایمان آوردیم . و در این هنگام دست به دعا برداشتند و گفتند:

ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا مسلمین (۵۵) ؛

بار خدایا، صبر و پایداری بر ما ببار و ما را مسلمان بمیران .

دعای مؤ منان موسی و هارون مدتی در میان بنی اسرائیل به تبلیغ توحید و ایمان و مبارزه و آزادی دست زدند، اما به جز اندك ایمان نیاوردند، چرا که ترس از فرعون و حکومت ظالمانه اش مانع از گرایش مردم به موسی می شد.

موسی که به همین گروه اندك نیز اطمینان خاطر نداشت باری تقویت ایمان و روحیه آنان گفت :اگر مؤ منیند و از مسلمانانید بر خداوند توکل کنید.

آنان گفتند: بر خداوند توکل کردیم و سپس رو به جانب پروردگار بزرگ کرند و چنین دعا کردند:

ربنا لاتجعلنا فتنة للقوم الظالمین # و نجنا برحمتك من القوم الکافرین (٥٦) ؛

بارالها، ما را هدف قوم ستمکار قرار مده و به رحمت خود ما را از شر کافران نجات بخش .

٦. موسی به فرمان الهی به دعوت توحیدی ادامه می داد، اما کمتر کسی به او ایمان می آورد و فرعون ستمگر و دستگاه جبارش بر فشار خود به موسی و هارون می افزود. اما شدت عمل فرعونیان و گمراهی مردم مانع از کار موسی نشد. از این رو با ایمان کامل و با قاطعیت اعلام کرد:

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد (۵۷) ؛

سرنوشتم را به خدا سپردم ، به درستی که خدا بر بندگانش بیناست .

مکنت و ثروت و قدرت فرعونیان چشم ها را خیره کرده بود. مردم هم که دارای رشد عقلانی نبودند، بین موسی و مؤ منان از يك سو، و فرعون و دستگاه سلطنتش از سوی دیگر مقایسه می کردند، و پیداست وقتی که ملاك در مقایسه ، ظواهر مادی و لباس و کاخ و ملك و پول و زر باشد کفه فرعون برتری دارد و موسی و هارون به او نمی رسند. چرا که فرعون سلطان دنیاپرست و جمع کننده قدرت و ثروت بود، موسی و هارون پیام آور ایمان و اعتقاد و عدالت و آزادی بودند.

موسی که ثروت و جاه و جلال مادی فرعون و اطرافیانش را مانع گرایش مردم به توحید و تقوا می دید، در مناجات با خداوند چنین گفت :

ربنا انك اتيت فرعون و ملاه زينة و اموالا فى الحياة الدينا ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطلس على اموالهم و اشدد على قلوبهم فلا يؤ منوا حتى يروا العذاب الاليم (٥٨) ؛

بارالها، تو به فرعون و اطرافیانش جمال و مال در دنیا داده ای اما - آنان به جای شکر گزاری - از راه تو گمراه شدند. بارالها، اموالشان را نابود و دلهایشان را سنگ کن - تا دیگر ایمان اجباری نیاورند - تا آن عذاب دردناك را ببینند.

نکته پس از این مناجات خداوند فرمود:دعای شما مستجاب شد.

در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:بین این دعا و مستجاب شدن آن نابودی فرعون چهل سال فاصله شد (٥٩) از ین حدیث در می یابیم که گاهی ممکن است بنابه صالحی که خدا میداند اجابت دعای ما به تاءخیر افتد که نباید ماءیوس شد بلکه همچنان باید به فضل و رحمت خداوند امیدوار بود تا زمان استجابت دعا فرا رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:عجب دارم از کسی که علیه او نقشه می شکند، و حیله به کار می برند؛ چرا نمی گویدافوض  امری الی الله ان الله بصیر بالعباددر حالی که خداوند در پی آن فرماید (تا موسی این جمله را گفت و کاریش را به خدا سپرد) خداوند موسی را از شر حیله های فرعونیان حفظ کرد.

٧. آنگاه که موسی می خواهد چهل روز به میقات به کوه طور رود، برادرش هارون را به جانشینی خود می گمارد.

موسی به میقات می رود. در آن جا خواستار رؤ یت حق تعالی می شود. خداوند به او می فرماید:هرگز مرا نمی بینی ، به کوه بنگر اگر کوه پس از تجلی خداوند بر آن ، آرام گرفت مرا می بینی.

و آنگاه که خداوند بر کوه تجلی کرد، کوه خرد شد و مو سی بی هوش درافتاد وقتی که به هوش آمد خطاب به خداوند گفت :

سبحانك تبت اليك و انا اول المؤ منين (٦٠) ؛

بارالها، منزهی ، به سوی تو توبه می کنم و من نخستین ایمان آورندگانم .

٨. میقات موسی به سر آمد و پس از چهل روز به جمع مردم بازگشت . وقتی از گوساله پرستی مردم با خبر شد اندوه وجودش را فرا گرفت . به خشم آمد و الواح تورات را بر زمین افکند، و با هارون

بیاویخت .

هارون گفت :برادر این مردم مرا ضعیف داشتند نزدیك بود مرا بكشند و هر چه آنان را به هدایت خواندم بی ثمر مانددر چنین شرایطی موسی دست به دعا برداشت و گفت :

رب اغفرلی ولاخی و ادخلنا فی رحمتك و انت ارحم الراحمین (٦١) ؛

بارالها من و برادرم را بیامرز و ما را به رحمت خود داخل كن ، تو ارحم الراحمین هستی .

٩. هنگام كه موسی نوبت دیگر خواست به میقات برود از میان مردم خود هفتاد نفر را انتخاب كرد و همراه خود برد. چون به میقات رسیدند، چنان لرزشی آنان را فرا گرفت كه یقین به نابودی خود كردند. در چنین شرایطی موسی به دعا برخاست و چنین گفت :

رب لو شئت اهلكتهم من قبل و ایای اتهلكنا بما فعل السفهاء منا ان هی الا فتنتك تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء انت ولینا فاغفرلنا و ارحمنا و انت خیر الغافرین # و اكتب لنا فی هذه الدنیا حسنة و فی الاخرة انا هدنا الیك (٦٢) ؛

١٠. وقتی كه موسی و بنی اسرائیل از دریا گذشتند و فرعون و لشكرش در دریا غرق شدند، موسی به بنی اسرائیل رو كرد و گفت :نعمت های الهی را به یاد داشته باشید؛ چرا كه در میان شما پیامبران و پادشاهان قرار داد و نعمت هایی به شما داد كه به هیچ كس  نداد، اكنون به سرزمین قدس داخل شوید.

بنی اسرائیل در پاسخ گفتند:قومی ستمگر در آن سرزمین هستند و تا زمانی كه از آنجا خارج نشوند ما داخل نمی شویم ، ای موسی تو و خدایت بروید و بجنگید، ما ین جا نشسته ایم.

موسی كه آن همه تلاش و تبلیغ را برای هدایت و رهانیدن آن مردم از چنگ فرعون نقش بر آب دید، دست به دعا برداشت و گفت :

رب انی لا املك الا نفسی و اخی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین (٦٣) ؛

بارالها من اختیار خود و برادرم را دارم ، خودت بین ما و این قوم فاسق جدایی انداز.

در این هنگام حق تعالی فرمود: آنها باید چهل سال سرگردان در بیابان به سربرند و تو بر این مردم فاسق افسوس مخور.

دعای بنی اسرائیل موسی در غیاب خود هارون را به جانشینی تعیین كرده بود هارون . هم با نهایت دلسوزی به مسئولیت خود قیام كرد و به راهبری و هدایت مردم پرداخت .

وقتی كه موسی به میقات رفت مؤ منان دو دل و متزلزل هارون را تنها دیدند، و زمینه را برای شیطنت خود آماده یافتند. سامری از زیور آلات آنان گوساله ای ساخت كه آن را می پرستیدند. اما به زودی پشیمان شدند و درپافتند كه بیراهه رفته اند از این رو، به درگاه الهی روی آوردند و با تضرع و خشوع گفتند:

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفرلنا لنكون من الخاسرین (٦٤) ؛

اگر پروردگار ما به رحم نكند و ما را نیامرزد، از زیانكاران خواهیم برد.

دعای همسر فرعون در سوره تحریم ، به ناسازگاری بعضی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است و در پایان سوره چند نمونه مثبت و منفی از زنان خوش بخت و بدبخت یاد می شود، دو نمونه منفی و بدعاقبت همسران نوح و لوط هستند، آن دو با این که با دو پیامبر الهی در زیر یك سقف زندگی می کردند، از چنین زمینه ای بهره نگرفتند تا به کمال معنوی برسند بلکه به آن دو پیامبر خیانت کردند و اهل آتش شدند. در مقابل از دو نمونه مثبت یاد می شود. یکی مریم ، و دیگری آسیه ، همسر فرعون ، آسیه در خانه فرعون بود و با او زندگی می کرد، اما ادعای خدایی او را باور نداشت بلکه یك انسان موحد بود که خداوند در قرآن کریم از او به عنوان نمونه و مثل برای مؤ منان یاد می کند. گویند وقتی فرعون دانست که همسرش خداپرست است به دستور او شکنجه اش کردند تا زیر شکنجه جان داد.

ملکه موحد فرعون در زیر شکنجه این گونه خدا را می خواند و دعا می کرد:

رب ابن لی عندك بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین (٦٥) ؛

بارالها، برای من نزد خودت در بهشت خانه ای بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده ، و مرا از قوم ستمکار رهایی بخش .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:سه نفر یك چشم بر هم زدن وحی کافر نشدند، مؤ من آل یاسین ، علی بن ابیطالب ، آسیه همسر (٦٦) فرعون.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله آسیه همسر فرعون را یکی از چهار زن برتر بهشتیان شمرد.

دعاهای حضرت زکریا علیه السلام برای درخواست فرزند زکریا یکی از پیامبران الهی است . او یك عمر توحید و خداپرستی و پاکی و درستی را تبلیغ کرد و مردم را به راه راست هدایت نمود. آنگاه که به سن پیری رسید فکر می کرد به زودی مرگ به سراغ او خواهد آمد و در غمی جانکاه فرو رفت .

غم و اندوه زکریا برای آن بود که فرزندی نداشت واز نزدیکان او هم کسی نبود که راه او را ادامه دهد و از این نظر بسیار اندوهگین شد که مشعل هدایتی که از دیرباز در خاندان او و به دست پدران او بوده است به خاموشی گراید.

پیری خود و عقیم بودن همسر، او را از چشم داشتن به الطاف الهی باز نداشت او این خواسته و آرزوی خود را در موارد گوناگون از خداوند درخواست کرد در سه جای قرآن کریم از آن یاد شده است :

الف ) حنه همسر عمران در حالی که حاملگی نذر کرده بود فرزندی که به دنیا می آورد خدمتگزار بیت المقدس شود. وقتی که زایمان کرد دختر زایید و گفت :خداوندا دختر زاییدم - گرچه آرزو داشتم پسر باشد - و او را مریم نامیدم ، و از شیطان رجیم به تو پناه دادم.

خداوند هم نذر او را قبول کرد. زکریا که شوهر خاله مریم و بزرگ بیت المقدس بود سرپرستی مریم رابه عهده گرفت و او را بزرگ کرد و در میان مسجد برای او محرابی ساخت که مریم در آن به عبادت می پرداخت . زکریا هرگاه برای سرکشی به مریم به محراب او داخل میشد مشاهده می کرد طعام گوارا و میوه های غیر فصل نزد مریم موجود است ، از مریم می پرسید:اینها از کجا برای تو آمده است ؟

جواب می شنید:از جانب خداوند متعال آمده و خداوند به هر کس خواهد روزی بی حساب می دهد.

در این هنگام عبادت و معنویت و کمالات مریم ، زکریا، را تکان داد و با خود گفت : چه می شد، من چنین فرزندی داشتم و بلافاصله دست به دعا برداشت و گفت :

رب هب لی من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء (٦٧) ؛

سپس در حالی که در محراب نماز می گزارد فرشتگان الهی به او بشارت دادند که خداوند فرزندی به نام یحیی که بزرگ و پاکدامن و پیامبر خواهد بود به تو عطا می کند.

زکریا ناباورانه گفت :کجا من پسری خواهم داشت ، چرا که خود پیرو و همسرم ناز است ؟

جواب آمد:خداوند انجام میدهد آنچه را خواهد.

ب ) در آغاز سوره مریم آمده است : یاد کن رحمت پروردگارت را بر حضرت زکریا آن گاه که آهسته پروردگارش را خواند و گفت :

رب انی و هن العظم منی و اشتعل الراءس شيبا و لم اكن بدعائك رب شقيا# و اين خفت المولى من ورائی و كانت امراءتی عاقرا فهب لی من لدنك وليا # يرثنی و يرث من آل يعقوب و اجعله رب رضيا (٦٨) ؛

بارالها، استخوانم سست شده و موی سپید سرم را فرا گرفته است ، تا کنون هرگاه تو را خوانده امت بد عاقبت نبوده ام من از اموال پس از خود می ترسم ، همسرم نیز عقیم است . فرزندی به من عطا کرد از جانب خود که وارث من و وارث آل یعقوب باشد، و او را پسندیده بدار.

از جانب خداوند ندا آمد:ای زکریا تو را بشارت می دهیم به پسری که نامش یحیی است و پیش از این همنامی نداشته است.

زکریا گفت :پروردگارا، کجا من پسری خواهم داشت در حالی که همسر نازاست ؟

جواب آمد:خدای تو اینچنین می خواهد و برای او آسان است پیشتر تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی.

خداوند یحیی را با کتاب و حکمت به زکریا عطا فرمود.

ج ) در سوره انبیاء، در مقام یاد پیامبران اشاره به زندگی و بندگی شان ، آنگاه که نوبت به زکریا می رسد، خداوند می فرماید: آنگاه که زکریا پروردگارش را ندا داد و گفت :

رب لاتذرنی فردا و انت خير الوارثين (٦٩) ؛

بارالها، مرا تنها نگذار و تو بهترین وارثانی .

و خداوند فرماید:ما دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را به صلاح آوردیم ، آنان در کارهای خیر شتاب داشتند و با امید و بیم ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.

چند حدیث ١. در تاریخ آمده است که :رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه حضرت علی علیه السلام

را در جنگ ها به میدان می فرستاد دعا می کرد و می گفت :رب لاتذرنی فردا وانت خیر الوارثینبارالها مرا تنها مگذار - یعنی علی را از من مگیر - و تو بهترین وارثانی (۷۰) .

۲. مرحوم کلینی از حارث نصری حکایت می کند که او گوید: بهامام صادق علیه السلام گفتم : خاندان من همه منقرض شده اند و من هم فرزندی ندارم (کنایه از این که به من دعایی تعلیم کن تا به برکت آن فرزند دار شوم ).

حضرت فرمود: در سجده بگو:رب هب لی من لدنك ذریة طیبة انك سمیع الدعاء رب لاتذرنی فردا و انت خیرالوارثین.

حارث گوید: من به دستور حضرت عمل کردم و در سجده ام این دو آیه را خواندم . خداوند به من دو پسر به نامهای علی و حسین عطا کرد (۷۱) ؛

۳. علی بن محمد صیمری کاتب گوید:با دختر جعفر بن محمد کاتب ازدواج کردم و او را بسیار دوست داشتم اما از این ازدواج فرزندی نصیبم نشد. به سراغ امام هادی علیه السلام رفتم و داستان خود را برای او باز گفتم . او تبسم کرد و فرمود: انگشتری فراهم کن که نگینش فیروز باشد و بر آن بنویس (رب لاتذرنی فردا و انت خیرالوارثین. صیمری گوید به دستور حضرت عمل کردم ، یك سال نگذشت که از آن همسر پسری روزی ام (۷۲) شد.

روایات دیگری هم درباره نحوه طلب فرزند از خداوند آمده است (۷۳) .

دعای مادر مریم حنه همسر عمران بود و هر دو از موحدان و از خاندان بزرگ توحید و یکتاپرستی بودند. هنگامی که حنه باردار شد نذر کرد که فرزندی که در راه دارد خدمتگزار بیت المقدس شود. او که انتظار داشت فرزندش پسر باشد، به هنگام زایمان دریافت نوزادش دختر است . او را مریم نامید و زکریای پیامبر بزرگ بیت المقدس و شوهر خاله مریم سرپرستی او را به عهده گرفت .

مریم همراه با رشد جسمی ، جانش نیز در پرتو تعلیمات الهی پرورش یافت و بدون همسر با نفخ روح الهی عیسی را بزاد.

خداوند از دعای حنه مادر مریم و همسر عمران چنین یاد میکند:

او گفت :

رب انی نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی انك انت السمیع العلیم (۷٤) .

بارالها، من فرزندی که در شکم دارم نذر کردم ، برای تو آزاد باشد از من بپذیر به درستیکه تو شنوا و دانایی .

در آیه دیگر می فرماید: خداوندش به نیکو قبولی از او پذیرفت (۷۵) .

دعای حواریون عیسی علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام در میان بنی اسرائیل به پیامبری برانگیخته شد. بنی اسرائیل که مردمی بهانه گیر و لجوج بودند حضرت عیسی را می آزردند. معجزاتی که عیسی علیه السلام در معرض دید آنان قرار می داد، آنان را بیدار نکرد و همچنان بر کفر خود اصرار می ورزیدند.

عیسی علیه السلام که بی خردی آنان را دید در میان مردم ندا دادچه کسانی مرا در راه خدا یاری می

کنند؟

حواریون ، گفتند ما یاوران الهی هستیم ، به خداوند ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم اوییم . و سپس دست به دعا برداشتند و چنین دعا کردند:

ربنا ءامنا انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین (٧٦) .

بارالها، به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم ، و پیامبرت را پیروی کردیم ، پس ما را از گواهان قرار ده .

دعای حضرت عیسی علیه السلام در دعای پیشین گفتیم وقتی که عیسی علیه السلام کفر و لجاجت بنی اسرائیل را دید از میان یاورانی طلبید. حواریون اعلام کردند: ما یاوران الهی هستیم و تو را در برابر کافران یاری می دهیم . اما اینان نیز به راحتی عیسی را همراهی نمی کردند، بلکه سخنان و خواسته های ناروایی داشتند. یکی از خواسته های آنان مائده آسمانی بود عیسی به آنان گفت تناگر به راستی ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و بهانه جویی نکنیدآنان گفتند: ما می خواهیم از مائده آسمانی بخوریم تا قلب ما به پیام و پیامبری تو اطمینان یابد و بدانیم تو با ما صادقانه سخن می گویی . در این هنگام عیسی علیه السلام دست به دعا برداشت و چنین گفت :

اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و آیة منك و ارزقنا و انت خیرالرازقین (٧٧) ؛

بارالها، پروردگارا!بر ما مائده آسمانی فرو فرست تا برای اول و آخر ما عید شود، و نشانه ای از تو باشد، و ما را روزی ده که ، تو بهترین روزی دهندگانی .

خداوند در پاسخ فرمود:من آن را بر شما فرو می فرستم هر کدام از شما، پس از این معجزه باز هم کفر ورزد او را به گونه ای عذاب کنم که هیچ کس از جهانیان را بدان گونه عذاب نکنم.

دعای مجاهدانی که در رکاب پیامبران جهاد کردند خداوند متعال وقتی می خواهد مؤ منان مجاهد را قوت قلب دهد و راه و رسم صحیح جهاد را به آنان آموزد و توکل و تعبد را در آنان زنده کند، و شیوه پایداری و صبر و ثبات را برای آنان ترسیم کند و طریقه دعا و نیایش مردان جهاد و شهادت را بازگو کند می فرماید:چه بسیار پیامبرانی که توده های انبوه همراه آنان با دشمنان پیکار کردند و به خاطر رنج و مصیبتی که در راه خدا دیدند، سست نشدند و به ضعف نگراییدند، و در برابر دشمن تسلیم نشدند، و خداوند صابران را دوست میداردخواسته و دعایشان تنها این بود:

ربنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی لقوم الکافرین (٧٨)

پروردگارا، گناهان و کوتاهی و تندروی ما را در کار خود بیامرز، و گامهای ما را ثابت بدار، و ما را بر کفار پیروز فرما.

خداوند در پاسخ ، پاداش دنیای که پیروزی و سربلندی آنهاست و پاداش نیکوی آخرت را که بهشت و مقام قرب خداست به ایشان عطا فرمود.

در زمان ما هر گاه جنگی بین مسلمین و کفار در گیرد و نیز، در نبرد دائمی فرهنگی ، عقیدتی سیاسی ، میان اهل ایمان و پیروان شرك و شیطان در هر نقطه جهان ؛ به منظور پیمودن مسیر صحیح و صبر و پایداری و طلب هدایت و پیروزی از خداوند شایسته است این دعا را زیاد بخوانیم .

دعای صاحبان باغ سوخته در زمانهای دور، در سرزمین یمن مرد با ایمانی زندگی می کرد. او باغ و بستان بزرگ و آبادی داشت و به هنگام برداشت محصول ، فقیران و تهی دستان به باغ او می آمدند، و بهره می بردند. وقتی که پدر از جهان رخت بر بست پسران مالك باغ به مستمندان چیزی ندهند. زمان برداشت محصول فرا رسید آنان با خود گفتند:

فردا صبح بی سر و صدا به باغ می رویم و به سرعت محصول را جمع می کنیم و تا تهیدستان از شروع برداشت محصول بیخبر هستند، ما کار را تمام کرده و آن را به خانه و انبار می آوریم . آنان بدون آن که توجه کنند که نعمت ها همه از خداست و خداوند در محصول آنان برای فقرا سهمی قرار داده است ، با این تصمیم ، شب خوابیدند تا پگاه به باغ روند.

همان شب آتش الهی ، باغ را سوزاند، به گونه ای که صبحگاهان وقتی که آنان به باغ رسیدند، با خود گفتند: اشتباه آمدیم ، این باغ ما نیست برادر عاقل تر گفت : مگر به شما نگفتم تسبیح الهی گویید و به یاد خداوند باشید و جانب حق را پاس دارید!

آنان از غفلت به در آمدند، و هشیار شدند و به اشتباه خود پی بردند، و گفتند:

سبحان ربنا انا کنا ظالمین (۷۹) ؛

منزه است پروردگار ما، همانا ما ستمکارانیم .

آنان یکدیگر را ملامت کردند و به گناه خود اقرار و اعتراف کردند، و تصمیم گرفتند راه راست و درست ، و روش پدر خردمند خود را در پیش گیرند و گفتند:

عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا راغبون (۸۰) ؛

امیدواریم پروردگار ما بهتر از آن باغ به ما دهد، ما به سوی پروردگار خود رو می کنیم .

دعاهایی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله آموزش داد ۱. در سوره زمر خداوند متعال به پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله آموزش های متعددی میدهد. یکی از آن تعلیمات این دعاست که ای محمد بگو:

اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة انت تحکم بین عبادك فیما کانوا فیه یختلفون (۸۱) ؛

ای پروردگار آفریننده آسمانها و زمین ، دانای پنهان و پیدا، تو حکم می کنی بین بندگانت در آن چه که در آن اختلاف کنند.

۲. دشمنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله افراد عنود و لجوجی بودند و هر روز برای گریز از پیام حق و گمراه کردن مردم ، نغمه ای ساز می کردند، اما در برابر هر سخن و بهانه ای جواب شایسته ای از پیامبر دریافت می کردند. و چه بسا پیامبر در انتظار می ماند تا از سوی خداوند جواب مناسبی صادر شود، تا هم به دشمنان پاسخ دهد و هم بر عزم و اراده آن جناب بیفزاید. در پایان سوره انبیاء ضمن جواب به منکران توحید، خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله آموزش میدهد که این گونه بگو:

رب احکم بالحق و ربنا الرحمن السمتعان علی ما تصفون (۸۲) ؛

پروردگارم به حق داوری کن ، و پروردگار ما بخشنده ای است که از او یاری جویند بر آنچه شما( از

دروغ و باطل ) گویید.

۳. خداوند متعال به پیامبر گرامی اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله این گونه تعلیم و آموزش می دهد که بگو:

رب اغفر و ارحم و انت خیرالراحمین (۸۳) ؛

خداوندا!بیامرز، و رحم کن ، تو بهترین رحم کنندگانی .

گرچه در این آیه نفرمود چه کسی را بیامرز و به چه کسی رحم کن ، اما به کمك آیات و ادله دیگر در می یابیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خود و برای همه مسلمانان از حق تعالی آمرزش و رحمت طلب می کند. و چون رسول الله صلی الله علیه و آله الگوی همگان است ، ما هم به آن جناب اقتدا می کنیم و می گوییمرب اغفر و ارحم و انت خیرالراحمین.

٤. خداوند بزرگ به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می دهد که برای قرائت آن بخش از قرآن که در حال وحی بر آن حضرت است پیش از پایان یافتن وحی ، شتاب نکند. به آن حضرت فرمان می دهد که بگو:

رب زدنی علما (٨٤) ؛ پروردگارا، دانش مرا بیشتر فرما.

با توجه به این نکته که پیامبر ما داناترین آفریدگان خداست در عین حال حق تعالی به او چنین دستوری می دهد، بر ما که از علم و دانش ذره ای بیش نداریم ، ضروری تر و لازم تر است که این دعا را تکرار و از خداوند حکیم دانش فراوان طلب کنیم .

پیامبر ما فرمود:هرگاه روزی بر من بگذرد که در آن بر دانشم نیفزایم ، طلوع خورشید، در چنین روزی بر من مبارك مباد (۸۵) .

۵. ما مسلمان و پیرو قرآنیم قرآن کریم بابسم الله الرحمن الرحیمو سپس باالحمدلله رب العالمینآغاز می شود.

پیامبر اسلام فرموده است : هر کار با نام خدا و حمد الهی آغاز نشود پایان خوشی و کامل ندارد.

در سوره اسراء خداوند دعایی را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله تعلیم می دهد که هر وقت بر کاری تصمیم گرفتی برای موفقیت در آن این طور دعا کن :

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنك سلطانا نصیرا (٨٦) ؛

بارالها، مرا با صدق و استواری داخل کن ، و با صدق و درستی بیرون آر، و برایم از جانب خود تسلطی یاری بخش قرار ده .

این دعای قرآنی در آغاز هر کار، شایسته و مناسب است تا شروع و پایان آن به درستی و استواری باشد و در هنگامه کار یاری الهی همراهی کند در تاریخ آمده است : پیامبر گرمی اسلام صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه این دعا را خواندند.

و از امام علیه السلام نقل شده که فرمود:هرگاه در شرایط ترسناك قرار گرفتی این آیه را بخوان (۸۷) .

٦. حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:نه من و نه هیچ پیامبری پیش از من ، پیامی به عظمت و سنگینی توحید نیاورده اند.

چون پیام توحید بزرگ و عظیم بود بیشترین فرصتهای تبلیغی پیامبران را به خود اختصاص داد، پیامبر ما هم برای معرفی توحید گفت و گوهای بسیار با مردم داشت . آیات و نشانه های خداوند را برای مردم باز می گفت و از آنان می خواست به تاءمل و دقت نشینند. در آغاز سوره شورا، خداوندا مواد لازم را برای این گفت و به پیامبرش می آموزد و در ضمن به او تعلیم می دهد تا بگوید:

الله ربی علیه توکلت و الیه انیب ؛ (٨٨)

الله پروردگار من است ، بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم .

٧. یکی از آموزش های الهی و قرآنی حمد و سپاس الهی است و دیگری یاد نیك و شایسته از برگزیدگان وادی توحید، یعنی پیامبران و اولیای الهی که راهنمایان بشر به سوی تقوا و پاکی و عدالت و توحید بودند. آنانی که خداوندشان برگزید تا مشعل هدایت دیگران به سوی خدا و آخرت باشند. خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمان می دهد که بگو:

الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی (٨٩) ؛

تمام حمد و سپاسش برای خداست ، و سلام بر بندگانش آنان که برگزید.

٨. مهمترین پیام پیامبران الهی ، توحید، و خداپرستی بوده است . پیامبر ما هم به سان دیگر پیامبران پایه و شالوده دعوتش یکتاپرستی بود وسعی می کرد، تصویر درستی از توحید ذات و صفات و افعال به بشر ارائه دهد، و به دور از خرافات و پندارها توحید ذات و صفات و افعال به بشر ارائه دهد، و به دور از خرافات و پندارها، توحید ناب و خالص را تبیین کند. در قرآن کریم آیاتی که مربوط به توحید است از آیات دیگر بیشتر است . هر بار که مردم نادان برای کجروی خود بهانه ای می تراشند و بر پایه اندیشه های جاهلی ، اعتراض می کنند پیامبر با صبر و سعد صدر به آنان پاسخ سنجیده میدهد. یك بار پس از پاسخ به آنان به فرمان الهی چنین می گوید:

الحمدلله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن لم له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا (٩٠) ؛

حمد و سپاس خدایی راست که فرزندی نگرفته و در حکومت شریکی برای او نیست و هم پیمانی برای یاری او در مشکلات نیست (چرا که احتیاج ندارد) و بزرگ دار او را برترین بزرگ داشتن .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:آیه عزت را بسیار بخوانیدپرسیدند: آیه عزت کدام است ؟ فرمود:الحمدلله الذی لم یتخذوا ولدا...

٩. پیامبر ما در راه ابلاغ پیام الهی از ناکسان آزار بسیار دید. و هر گاه که فشار روحی و روانی و تبلیغاتی دشمن اوج می گرفت ، خداوند پیامبرش را دلداری و روحیه میداد.

در صلح حدیبیه به هنگام نوشتن صلحنامه ، یکبار به گاه نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز صلحنامه ، و بار دیگر به وقت نوشتن کلمهرسول اللهدر پی نام آن حضرت ، قریشیان اعتراض کردند و نتیجه آن شد که به جای بسم الله الرحمن الرحیم ، باسمك اللهم بنویسند، همان طور که در جاهلیت می نوشتند، و لقبرسول اللهرا هم از پی نام آن حضرت حذف کنند. از آن جا که این دشمنی و عناد آنان

روحیه پیامبر را می آزرد خداوند برای حمایت و دلداری به آن حضرت فرمود بگو:

هو ربی لااله اله هو علیه توکلت و الیه متاب (۹۱) ؛

او پروردگار من است ، به جز او خدایی نیست ، بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم .

۱۰. یکی از تعلیمات خدا به پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله این است که بگو:

ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین (۹۲) .

به درستی که نماز من ، عبادات من زندگی من و مرگ من برای خداوند است که پروردگار جهان هاست .

۱۱. پیامبر ما از منافقان رنج بسیار دید؛ آنان که به زبان تظاهر به اسلام می کردند و در دل اعتقاد به آن نداشتند بلکه در پی کار شکنی و شیطنت و عیب جویی بودند. خداوند هم از درون و شیوه آنان پیامبرش را آگاه می کرد. به همین سبب در جای جای قرآن کریم از منافقان و کج رفتاری آنان یاد می شود. آنان که میدیدند، از گفت و گوها و محفل آنان ، پیامبر خبردار میشود، به جای اصلاح کار و برنامه خود و آمدن به راه راست ، شیوه خود را عوض کردند و این بار با زبان ایما و اشاره پیامهای خود را به یکدیگر می رساندند این بار هم خداوند پیامبرش را از روش آنان آگاه ساخت و ضمن تحلیل از آن حضرت به وی فرمود: در برخورد با چنین مشکلات بگو:

حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم (۹۳) ؛

خداوند مرا بس است ، به جز او خدایی نیست ، بر او توکل کردم ، او که صاحب عرش عظیم است .

پیامبر گرامی فرمود:هر کس صبح و شب هفت بار این دعا را بخواند کارهای مهمش را کفایت کند (۹٤) .

عبدالله بن عباس گوید:این دعای ابراهیم علیه السلام بود هنگامی که او را در آتش افکندند، و دعای حضرت محمد صلی الله علیه و آله هنگامی که دشمنان علیه آن حضرت گرد آمدند (۹۵) ؛

۱۲. در قرآن کریم گاهی ملاحظه می شود دعاهایی را خداوند به پیامبرش یاد می دهد. گرچه در این نوع جملات طرف خطاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله است ، اما از آنجا که پیامبر برای همگان اسوه و الگوست ، پیداست که اینگونه خطاب ها شامل حال دیگران نیز می شود.

یکی از آموزشهای خدای متعال به حضرت محمد صلی الله علیه و آله این دعاست :

قل اللهم مالك الملك تؤ تی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شی ء قدیر # تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی و ترزق من تشاء بغیر حساب (۹٦) ؛

ای محمد، بگو بارالها، صاحب حقیقی حکومت تویی ، به هر که خواهی حکومت دهی واز هر که خواهی بازستانی ، هر که خواهی عزیز و گرامی داری ، و هر که را خواهی ذلیل و پست گردانی ، تمام خیرات به دست تو است ، به درستی که تو بر هر چیز توانایی شب را در روز فرو می بری ، و روز را در شب فرو می بری زنده را از مرده برآوری ، و مرده را از زنده ، خارج سازی ، و هر که را خواهی بی شماری روزی می دهی .

دو حدیث ۱. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آلهاسم اعظم که هرگاه به آن دعا کنند مستجاب شود عبارت است از: قل اللهم مالك الملك ... بغیر حساب (۹۷) .

۲. معاذ بن جبل گوید: روز جمعه ای از رسولخدا صلی الله علیه و آله باز ماندم و نتوانستم نماز جمعه را با آن حضرت به جا آورم پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا دید پرسید:

ای معاذ چه چیز تو را از نماز جمعه بازداشت ؟گفتم : ای رسولخدا! یوحنای یهودی چند وقیه طلا از من طلب دارد و در خانه ام ایستاده بود تا از خانه خارج شوم و طلبش را از من درخواست کند و من ندارم تا طلب او را بپردازم به این سبب از خانه خارج نشدم .

حضرت فرمود:ای معاذ، آیا دوست داری خدا قرض تو را ادا کند؟ گفتم : آری یا رسول الله فرمود: (آیه قل اللهم مالك الملك را تا بغیر حساب بخوان و سپس بگو:یا رحمان الدنیا و الاخرة و رحیمهما تعطی منهما ما تشاء و تمنع منهما ما تشاء، اقص عنی دیناگر به اندازه تمام زمین طلا بدهکار باشی ، خداوند ادا می کند.

۱۳. خداوند متعال شیوه احتجاج و گفت و گو با کفار را به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموزش میدهد و آن جناب آن شیوه را به کار می بندد و پس از آن که این گفت و گو به ثمر نمی نشیند، و آنها بر جهل و گمراهی خود اصرار می ورزند، به آن حضرت تعلیم میدهد که دعا کند و بگوید:

رب اما ترینی ما یوعدون # رب فلا تجعلنی فی القوم الظالمین (۹۸) .

پروردگارم اگر اراده کرده ای آن عذابی را که به کفار وعده داده ای به من نشان دهی . پروردگارم پس مرا در میان ستمگران قرار مده .

استعاذه استعاذه یعنی پناه بردن به خداوند متعال از فتنه انگیزان و شر آنها.

در قرآن کریم بارها خداوند بزرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تعلیم می دهد که از وسوسه های شیاطین و پلیدان به خداوند پناه برد.

در دو سوره فصلت (۹۹) ، و اعراف (۱۰۰) خداوند به پیامبرش می فرماید:اگر شیطان تو را وسوسه کرد به خدا پناه بر، همانا او شنوا و داناست. در سوره مؤ منون به حضرت محمد صلی الله علیه و آله این گونه تعلیم می دهد که دعا کن و بگو:

رب اعوذبك من همزات الشیاطین # و اعوذ بك رب ان یحضرون (۱۰۱) ؛

پروردگارم ، از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم و پناه می برم به تو پروردگارم ، از این که آنان نزد من حاضر شوند.

دو سوره آخر قرآن کریم معوذتین نام گرفته است که در آن ها خداوند به پیامبر گرامی ما دستور می دهد که بگوید:

بسم الله الرحمن الرحیم

قل اعوذ برب الفلق # من شر ما خلق # ومن شر غاسق اذا وقب # و من شر النفاثات فی العقد # و من شر حاسد اذا حسد؛

بگو پناه می برم به پروردگار سپیده صبح ، از شر مخلوقات و از شر شب تار هنگامی که در آید، و از شر جادوگرانی که در گره ها دمند. و از شر حسود آن که حسد ورزد.

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس # ملك الناس # اله الناس # من شر الوسواس الخناس # الذى يوسوس فى صدور الناس # من الجنة و الناس

بگو پناه می جویم ، به پروردگار آدمیان ، پادشاه آدمیان ، معبود آدمیان ، از بدی وسوسه کننده خناس ؛ آن که در دل مردمان وسوسه کند که از جن و انسان است .

دعای مسیحیانی که مسلمان شدند از آغاز ظهور اسلام ، یهود و نصارا هر کدام به شیوه ای با اسلام برخورد می کردند، یهود از روی حسد ورزی و کینه و دشمنی با اسلام و پیامبر و مسلمین ، سر ناسازگاری و عناد داشتند و از هیچ زمینه ای برای ضربه به اسلام چشم پوشی نمی کردند.

در مقابل نصارا روشی منطقی و معقول ، و برخوردهای مهرآمیز و دوستانه با اسلام و مسلمین داشتند. قرآن کریم از این دو برخورد، متفاوت یاد می کند و بارها به نشانه قدرشناسی ، از حق گرایان مسیحی تمجید می کند و از برخوردهای معقول و سنجیده آنان ستایش می کند.

گروهی از آنان که از زهاد و عباد و دانشمندان مسیحی بودند وقتی که با قرآن و پیام آن آشنا شدند و آن را حق یافتند، مسلمان شدند و از شادمانی گریستند و چنین گفتند:

ربنا امنا فاكتبنا مع الشاهدين (١٠٢) ؛

بارالها، ایمان آوردیم ، ما راهم در زمره گواهان (و مسلمین ) قرار ده .

دعا برای پدر و مادر پدر و مادر حقوق بسیاری بر فرزندان دارند. خداوند کریم در چند جای قرآن فرزندان را بر ادای حق پدر و مادر سفارش کرده است .

در سوره اسراء می فرماید:پروردگارت حکم کرد که به جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در نزد تو به سن پیری رسیدند، به آنان اف نگو و تندی مکن و با آن به ملایمت و نرمی سخن گو، در برابر آنان تواضع و مهربانی پیشه کن و برای آنان دعا کن و بگو:

رب ارحمهما كما ربيانى صغيرا (١٠٣) ؛

بارالها، آن دو را رحمت کن ، چنان کن مرا در کودکی پروراندند.

دعای آنان که به سلطه ستمگران گرفتارند يك وظيفه اساسی و همیشگی مؤ منان این است که در راه خدا پیکار کنند و برای نجات مستضعفان ، از چنگال حکومت کفر و ظلم تلاش کنند. چرا که ستمگران و زورگویان برای آنان قدرتی باقی نگذاشته اند تا بتوانند از خود دفاع کنند به همین جهت دست به عامر می دارند و می گویند:

ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا (١٠٤) ؛

بارالها، ما را از این سرزمین ستمگران بیرون بر، خود برای ما سرپرستی قرار ده ، وبرای ما یاری کننده و پشتیبان بفرست .

دعاهای قرآن تعلیم دعا به مسلمانان در نبرد حنین ، غنیمت بسیاری به چنگ مسلمانان افتاد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به هنگام تقسیم غنایم ، به تازه مسلمانان مکه سهم بیشتری دادند، تا در مسلمانی دلگرم و به اسلام خوشبین شوند. این کار پیامبر سبب گردید تا برای بیشتر مهاجر و انصار که از فلسفه کار حضرت بی خبر بودند سوال ایجاد شود و در این میان ، منافقان فرصت یافتند تا زبان اعتراض بگشایند، و به بدگویی از پیامبر پردازند.

پیامبر علت کار خود را شرح دادند و مؤ منان بدان راضی شدند.

خداوند می فرماید: شایسته بود به آنچه خدا و پیامبرش به آنان دادند راضی و خشنود باشند و بگویند:

حسبنا الله سیؤ تینا الله من فضله و رسوله انا الی الله راغبون (١٠٥) ؛

خداوند ما را بس است به زودی خداوند از فضلش و پیامبرش به ما می دهند. ما به سوی پروردگار رغبت و میل داریم .

دعا هنگام سوار شدن بر مرکب و در برابر هر نعمتی یکی از شیوه های قرآن برای آشنا کردن مردم با خدا، بر شمردن نعمت های الهی است . قرآن می کوشد، وجدانهای خفته ار بیدار کند و مردم گریز پای را با خدایشان انس و آشتی دهد.

در سوره زخرف می فرماید:خداوند برای شما کشتی و چارپایان آفرید تا بر آن دشوار شوید و آنگاه که بر آن قرار یافتید به یاد نعمت پروردگارتان باشید و بگویید:

سبحان الذی سخرلنا هذا وما کنا له مقرنین # و انا الی ربنا لمنقلبون (١٠٦) .

منزه است خدایی که این مرکب را برای ما مسخر ساختت وگرنه ما توان آن را نداشتیم و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.

امام علی علیه السلام فرماید:هرگاه بر مرکب سوار شدید یاد خدا کنید و بگویید:سبحان الذی سر لنا هذا و ما کنا له مقرنین # و انا الی ربنا لمنقلبون (١٠٧) ؛

امام رضا علیه السلام فرماید:شکر الهی آن است که هر گاه خداوند بر بنده اش نعمت داد بگوید:سبحان الذی سخرلنا هذا وما کنا له مقرنین # و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمدلله رب العالمین (١٠٨) .

دعای ملائکه مقرب برای مؤ منان حاملان عرش الهی و کروبیان که فرشتگان عالی رتبه و مقرب الهی هستند، همیشه تسبیح و حمد و پروردگار کنند و بر ایمانشان افزوده شود و از برای مؤ منان طلب آمرزش کنند و گویند:

ربنا وسعت کل شی ء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلك وقهم عذاب الجحیم # ربنا و ادخلهم جنات عدن التی وعدتهم و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم انك انت العزیر الحکیم # وقهم السیئات و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته ، و ذلك هو الفوز العظیم (١٠٩) ؛

بارالها، رحمت و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است پس بیامرز کسانی را که توبه کردند، و راه تو را پیمودند، و همسران و فرزندانشان را به بهشت عدن که به آنان وعده دادی داخل فرما، همانا تو عزیز و حکیمی . و آنان را از بدی ها و عذاب دور دار، چرا که هر که تو را از بدی در روز قیامت حفظ فرمایی

به او رحم کرده ای ، و همین رستگاری بزرگ است .

شایسته است ما هم با ملائکه مقرب همنوا شویم و این دعا را بخوانیم چرا که هم دعا برای جمیع مؤ منان است .

تقدیس الهی از زبان ملائکه در روز قیامت خداوند نابکاران و مشرکان را محشور فرماید و سپس به فرشتگان گوید: آیا اینها (مشرکان ) شما را بندگی می کردند و شما را می پرستیدند؟

فرشتگان در پاسخ گویند:

سبحانك انت ولینا من دونهم (۱۱۰) ؛

ای خدا تو منزهی از هر عیب ، تو ولی و همراه مایی نه آنان ، بلکه آنان جن را پرستش می کردند و بیشترشان به آن ایمان داشتند.

پند دوست

دو مرد با یکدیگر دوست بودند؛ یکی خدا پرست فقیر و دیگری ثروتمند بی ایمان . ثروتمند بی ایمان به ثروت خود می بالید و به دوستش می گفت : من ثروت و افرادم بیش از تو است . و هر گاه در دو باغ وسیع و پر محصولش وارد می شد می گفت : گمان ندارم این همه نعمت تمام شود و قیامتی در کار باشد. دوست خداشناس به او پند دادو گفت : آیا به خدایی که تو را آفرید کفر می ورزی ؟ اما من معتقدم که الله خدای من است و شریکی برای او قرار نمی دهم ، چرا نعمت دهنده را نمی شناسی و هرگاه به باغت داخل می شوی ، یاد خدا نمی کنی و به نشانه شکرگزاری نمی گویی :

ما شاء الله لاقوة الا بالله (۱۱۱) ؛

آنچه خدا خواهد (همان می شود) قوت و قدرتی نیست مگر از جانب خدا.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:هرگاه خداوند به بنده اش نعمت مال و زن و فرزند عنایت فرمود و او گفت : ما شاء الله لا قوة الا بالله آفتی به جز مرگ نبیند (۱۱۲) ؛

امام صادق علیه السلام فرمود:عجب دارم از کسی که نعمت های دنیایی می خواهد و نمی گوید: ما شاء الله لا قوة الا بالله چرا که پس  از این جمله خداوند از زبان آن مرد خداشناس می گوید: اگر من از تو کمتر ثروت و فرزند دارم امیدوارم خداوند بهتر از باغ تو به من بدهد، و این امید حتما محقق می شود (۱۱۳) .

دعای عاقلان خداوند متعال در کتابش بارها ازاولوالالبابمدح و تعریف می کند. الباب جمع لب یعنی مغز و اولوالالباب یعنی صاحبان مغز.

گویا دیگران پوسته ای از زندگی و مقصود و مغز حیات و آفرینش اولوالالباب هستند. اولوالالباب یعنی کسانی که اهل فکر و اندیشه و عقل و بینش هستند و هدف از آفرینش و هستی را خواب و خوراك نمی دانند. چنین کسانی در هر شرایطی که باشند به هنگام کار و فراغت و استراحت به یاد خدا هستند و ذکر او را به لب دارند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند و چنین با خدا می گویند:

ربنا ما خلقت هذا با طلا سبحانك فقنا عذاب النار # ربنا انك من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار # ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و

توفنا مع الابرار # ربنا و آتنا و ما وعدتنا على رسلك و لاتخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد (١١٤) .

بارالها، این جهان را باطل و بیهوده نیافریدی ، منزهی از عیب ما را از آتش جهنم باز دار. بارالها، هر که را تو داخل جهنم کنی او را رسوا ساخته ای و برای ستمگران در برابر تو یاوری نیست .

بارالها، ما شنیدیم ، منادیی را که ندای ایمان سر می دهد، به پروردگارتان ایمان آورید، پس ما ایمان آوردیم . پروردگارا پس بیامرز گناهان ما را و بدی های ما را پاك فرما، و ما را با نیکان بمیران .

بارالها، آنچه را به پیامبرانت وعده دادی به ما مرحمت فرما، و ما را در روز قیامت رسوا مساز، همانا تو خلف وعده نمی کنی .

همان طور که ملاحظه می شود این دعا عمومی است و اختصاص به شخصی خاصی ندارد. وقتی از صمیم دل این دعا خوانده شود، استجابت آن حتمی است ، زیرا خداوند، در آیه بعد می فرماید:فاستجب لهم ربهم.

امام علی علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها آنگاه که از خواب برمی خاست مسواك می زد، سپس به آسمان نگاه می کرد و این آیات را می خواند: ان فی خلق السموات و الارض ... فقنا عذاب النار (١١٥) .

دعای بندگان با کمال الهی ما گمان می کنیم طلب مغفرت و آمرزش از خداوند بزرگ ، مخصوص کسانی است که کارهای زشت و ناپسند انجام می دهند و در پی گناه و فسق و فجور هستند، اما آنان که سر در فرمان حق دارند، برایشان تقاضای آمرزش و عفو معنا ندارد. این پندار نادرست است زیرا استغفار و طلب آمرزش پیامبران را در جای جای قرآن کریم مشاهده می کنیم و تقاضای عفو و بخشایش ائمه اطهار علهیم السلام در احادیث و دعاها و مناجات ها بیش از موضوعات دیگر می بینیم .

خداوند متعال در آیه ١٥ و ١٦ سوره آل عمران می فرماید: آنها که اهل صبر و راستی و عبادت و انفاق و استغفار سحری هستند این گونه دعا می کنند:

ربنا اننا آمنا فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار (١١٦) ؛

بارالها ما ایمان آوردیم ، گناهان ما را بیامرز و از عذاب آتش ما را نگه دار.

دعای همیشگی مؤ منان سوره حمد، خلاصه و چکیده قرآن کریم است در عظمت آن همین بس است که کتاب خدا با آن سوره آغاز می شود و روزانه دست کم ده نوبت آن را در نماز قرائت می کنیم و هیچ نمازی بدون آن صحیح نیست . نیمی از سوره حمد، ثنا و سپاس و ستایش خداوند متعال است و نیمه دیگر آن خواسته بنده است از مولا و پروردگارش .

ما سوره حمده را در نماز به نیت آن که قرآن است می خوانیم نه به عنوان دعا، اما این منافاتی ندارد با این که در بخشی از آن خداوند دعا را به ما تعلیم کند. در این سوره می خوانیم :

اهدنا الصراط المستقیم # صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین (١١٧) ؛

بارالها، ما را به راه راست هدایت فرما راه کسانی که بر آنها نعمت داده ای راه کسانی که گرفتار غضب و عذاب تو شدند و نه راه گمراهان .

دعا برای دنیا و آخرت خداوند متعال در قرآن کریم از دو گروه دعا کننده یاد می کنند: یك گروه آنان که

چشم به دنیا دوختند و به جهان آخرت بی اعتنا هستند. آنها در مقام دعا هم از خداوند فقط دنیا را می خواهند و می گویند: خداوندا، آنچه می خواهی به ما بدهی ، در دنیا بده . چنین کسانی در آخرت بی بهره اند.

گروه دوم کسانی هستند که هم نظر به دنیای خود دارند و هم اعتقاد به آخرت اینان این گونه دعا می کنند:

ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة و قنا عذاب النار (۱۱۸) ؛

بارالها، در دنیا به ما حسنه بده ، و در آخرت نیز حسنه بده و ما را از آتش جهنم دور دار.

چند روایت عبدالاعلی گوید: درباره این آیه از حضرت صادق علیه السلام تفسیر و توضیحی خواستم ، حضرت فرمود:مقصود رضوان الهی و بهشت در آخرت ، و وسعت در زندگی و معاش و خوش خلقی در دنیاست (۱۱۹) .

حضرت امیرالمؤ منین علیه السلام فرمود:مقصود در این آیه همسر شایسته در دنیا و بهشت در آخرت است (۱۲۰) .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:کسی که دلی شکرگزار، و زبانی در کار ذکر خدا، و همسر مؤ منی را که او را در امور دنیا وآخرتش یاری رساند داشته باشد، خداوند در دنیا و آخرت به او حسنه داده و از عذاب آتش او را نگه داشته است (۱۲۱) .

در حدیث آمده است که :حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عیادت مرد مسلمانی رفتند که از بیماری رنج می برد. حضرت به او فرمود: آیا دعا کردی و چیزی از او خواستی ؟ بیمار گفت : آری : این گونه با خدا سخن می گویم : بارالها، اگر مرا در آخرت می خواهی عذاب کنی ، آن را در این دنیا برایم قرار ده .

حضرت فرمود:سبحان الله !تو طاقت چنین عذابی نداری ، چرا نگفتی :ربنا ءاتنافی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا عذاب النار.

آن بیمار این گونه دعا کرد و خداوند شفایش داد (۱۲۲) .

دعای مؤ منان راستین خداوند متعال گهگاه در قرآن کریم از وضعیت روحی و روانی مسلمانان در آغاز اسلام یاد می فرماید و در حقیقت به مسلمانان در تمام زمانها و مکان ها آموزش می دهد که اینگونه باشید. یکی از آن موارد دو آیه سوره بقره است .

می فرماید:پیامبر به آنچه بر او نازل شده از جانب خداوند ایمان آورد و نیز مؤ منان همه ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتب آسمانی و پیامبران الهی و گویند:

ما بین هیچ یك از پیامبران الهی فرق نمی گذاریم ، و گفتند:

سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا و الیك المصیر # لایکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لاتؤ اخذنا ان نسینا او اخطاءنا ربنا ولاتحمل علینا اصراکما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و اغفرلنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین (۱۲۳) ؛

بارالها شنیدیم ، و اطاعت کردیم و آمرزش تو را، و بازگشت به سوی تو است . خداوند به هر کس به

اندازه توانش تکلیف می کند، آنچه از نیکی کسب کند برای اوست ، و هر آن چه از بدی به دست آورد بر ضد اوست . بارالها، اگر فراموش یا خطا کردیم ما را مواخذه مفرما، و بر دوش ما بار گران مگذار آن چنانکه بر امتهای پیشین نهادی . بارالها، ما را بر کاری که طاقت آن را نداریم وادار مفرما، و از ما درگذر و ما را بیامرز و به ما رحم کن ، تو مولای مایی ، پس ما را بر قوم کافر پیروز فرما.

چند روایت ۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :پس از این دعا، خداوند، فرموده است : انجام میدهم ، و اجابت می کنم ، به همین جهت مستحب است که این دو آیه زیاده خوانده شود (۱۲٤) .

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :آیات آخر سوره بقره هم قرآن است و هم دعاست (بخوانید که ) موجب رضایت خداوند می شود (۱۲۵) .

۳. ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ناگهانی صدایی شنید، سربلند کرد دید دری از آسمان گشوده شده ، سپس فرشته ای بر آن حضرت نازل شد و گفت :خداوند بشارت به دو نور به تو می دهد که به هیچ پیامبری پیش از تو داده نشده است آن دو، سوره حمد و آیات آخر سوره بقره ، است هیچ کس نخواند مگر آن که حاجتش را روا کنم (۱۲٦) .

در روایاتی آمده است که این دو آیه گفت و گوی خدا و رسول در معراج بوده است .

٤. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:این دو آیه از گنجهای بهشتی است که خداوند رحمان آن را به قدرت خود دو هزار سال پیش از آفرینش مخلوقات نگاشت . هر کس آنرا شب (به وقت خواب ) بخواند از عبادت شب او را کفایت کند (۱۲۷) .

دعاهای دانشمندان بلند پایه میزان سنجش اعمال در نزد خداوند معرفتی است که بر پایه آن عمل انجام می شود. اگر چند نفر يك عمل مشابه را انجام دهند مثلا دو رکعت نماز بگزارند یا کارهای شایسته دیگر انجام دهند، پاداش آنان به میزان معرفتشان به خداوند بزرگ بستگی دارد که اساس و پایه هر عبادت است .

کسانی که در معرفت الهی غور کرده ، و از دریای محبت الهی جرعه ها نوشیده و در دانش الهی به مقام مکین رسیده اند و خداوند از آنان بهراسخون فی العلمتعبیر می کند این گونه دعا می کنند:

ربنا لاتزع قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب # ربنا انك جامع الناس ليوم لاريب فيه ان الله لايخلف الميعاد (۱۲۸) ؛

بارالها، پس از آن که ما را هدایت کردی دل ما را از حق بر مگردان و از نزد خود به ما رحمت ده ، همانا همانا تو بخشنده ای ، پروردگارا تو مردم را در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گرد می آوری ، همانا خداوند در وعدهگاهش تخلف نمیکند.

چند روایت ۱. امام صادق علیه السلام فرمود:زیاد بگویید: ربنا لاتزع قلوبنا بعد اذ هديتنا... و از زیر و رور شدن دلها خاطر جمع نباشید (۱۲۹) .

۲. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دعا می کرد:یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دينك (ای زیر و رو کننده دلها، قلب مرا بر دینت ثابت دار) سپس این آیه را می خواند:ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب (۱۳۰) .

۳. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:هر کسی که آیه ربنا انك جامع الناس ليوم لاريب فيه ان

الله لایخلف المیعاد را بخوانید آنچه را گم کرده ، خداوند، به او برگرداند (۱۳۱) .

٤. امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود:ای هشام ، خداوند از مردمانی نیکوکار حکایت می کند که این چنین گفتند:ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ؛ چون دانستند که دل ها و وسوسه شود و گمراهی و پستی برگردد (۱۳۲) .

دعای مؤ منان برای خود و مؤ منان دیگر حق تعالی در آیات آغازین سوره حشر از مهاجران و انصار تمجید می کند و در آیه دهم مدح و تعریف می کند از همه کسانی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا می آیند و به جمع اهل ایمان می پیوندند و ذکر و دعای همیشگی آنان این است :

ربنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقوا بالایمان ولاتجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انك رؤ ف رحیم (۱۳۳) .

بارالها ما و برادران و خواهران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، امروز و در دلهای ما نسبت به افرادی که ایمان آوردند، کینه و دشمنی قرار نده ؛ بارالها،، مهربان و رحیمی .

چه زیباست که ما هم خود را جزء این جمع بدانیم و این دعا را زمزمه کنیم چرا که هم طلب آمرزش برای خود و مؤ منان است وهم طلب قلبی سالم از دشمنی و نظر سوء نسبت به مؤ منان است و در پایان هم تمجید حق تعالی است .

دعای انسان در چهل سالگی در قرآن کریم بارها خداوند متعال به ادای حق پدر و مادر سفارش می کند. رنجهایی را که مادر در دوران بارداری و زایمان و شیر دادن و به سامان رساندن فرزند به جان خریده است گوشزد می فرماید، و تعلم می دهد که آنگاه که به اوج توان و رشد رسید و به مرز چهل سالگی که دوران پختگی و کمال است قدم نهادن زبان حالش چه باشد؛ چرا که در این دوره ، نه خامی و بی تجربگی سالهای جوانی را دارد و نه ضعف و سستی دوران پیری را در چنین شرایطی شایسته است بگوید:

رب اورعنی اشکر نعمتك التی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا ترضاه و اصلح لی فی ذریتی و انی تبت الیك و انی من المسلمین (۱۳٤) .

بارالها، به من الهام فرما که شکر نعمت های تو را که به من و به پدر و مادرم عطا فرمودی ادا کنم ، و کارهای شایسته که مورد پسند تو باشد، انجام دهم و فرزندان مرا از صالحان قرار ده ، من به درگاه تو توبه می کنم ، و من از تسیلم شدگان در برابر توام .

عبادالرحمن چگونه دعا می کنند؟ خداوند متعال در سوره فرقان ، نشانه ها، و اوصاف عبادالرحمن و بندگان شایسته را بیان می کند و در ضمن بیان اوصاف و حالات آنان از دعای آن حضرت آنان این گونه یاد می فرماید می گویند:

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان غراما (۱۳۵) ؛

بارالها، عذاب جهنم را از ما بگردان ، چرا که عذاب جهنم دائمی است .

و نیز می گویند:

ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما (۱۳٦) .

بارالها، از همسران و فرزندان کسانی که مایه آرامش خاطر و روشنایی چشم ما باشند به ما ببخش ، و ما را پیشوای متقین و تقوا پیشه گان قرار ده .

امیرالمؤ منین علیه السلام فرمود:به خدا سوگند من از پروردگارم فرزند زیبا روی و نیکو قامت نخواستم ، بلکه فرزندی اهل اطاعت و خوف الهی خواستم که هرگاه به او نظر کردم و او را در حال اطاعت خداوند یافتم ، چشمم روشن شود (۱۳۷) .

دعای بندگان مخلص خدا قرآن کریم ، گفت و گوی خداوند بزرگ با اهل جهنم و پاسخ آنان را بازگو می فرماید خداوند به جهنمیان خطاب می کند و می گوید: گروهی از بندگان من دعا می کردند و مرا می خواندند، اما شما آنها را مسخره می کردید، و به آنان پوزخند می زدید، دعای آنان این بود:

ربنا آمنا فاغفرلنا و ارحمنا و انت خیرالراحمین (۱۳۸) ؛

پروردگارا ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و ما را مورد رحمت خود قرار ده ، تو بهترین رحم کنندگانی .

خداوند این دعا را بهعبادی(بندگان ویژه ) نسبت می دهد و این دعا و دعاکنندگان را تاءیید و تصدیق می کند و از آنان حمایت میکند.

تقدیس الهی به وسیله دارندگان علم لدنی آنان که علم لدنی از خداوند متعال دریافت داشته اند آن گاه که آیات الهی بر آنان خوانده می شود به نشانه تواضع و تسلیم در برابر حق تعالی به سجده در می افتند و چنین می گویند:

سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا (۱۳۹) ؛

منزه است پروردگار ما که وعده اش محقق می شود.

دعای اصحاب اعراف اعراف جایگاهی است رفیع بین بهشت و جهنم ، و بر آن مردانی نشسته اند و همه را از پیشانی شان می شناسند، که کدام بهشتی و کدام جهنمی است . آنان بر نیکوکارانی که در انتظار ورود به بهشت هستند سلام می کنند و آن گاه که به سوی اهل جهنم رو می کنند و وضعیت آنان را مشاهده می کنند می گویند:

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالمین (۱٤۰) ؛

بارالها، ما را با ستمکاران قرار مده .

دعای مؤ منان در روز قیامت خداوند متعال در بیان حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤ منان در روز قیامت می فرماید: در روز قیامت ، خداوند، پیامبر و مؤ منین را رها و رسوا نمی کند و آبرو و موقعت آنان را محفوظ می دارد. نور آنان که بر اثر ایمان راسخ و اعمال صالح به دست آورده اند، به سان راهنمایی کامل پیشاپیش و همدوش آنان را به سوی بهشت پیش می برد و آنان چنین گویند:

ربنا اتمم لنا نورنا و اغفرلنا انك علی کل شی ء قدیر (۱٤۱) ؛

بارالها، نور ما را تکمیل فرما و بر آن بیفزا، و ما را بیامرز، همانا تو بر هر کاری توانایی .

حمد و سپاس بهشتیان در روز قیامت تقوا پیشگان را به سوی بهشت برند هنگامی که به بهشت رسند

درهای بهشت گشوده شود، و ماءموران بهشت به آنان سلام و خوش آمد می گویند. آنان به نشانه سپاس خداوند گویند:

الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوء من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العالمین (۱٤۲) ؛

سپاس خدایی راست که وعده اش را بر ما راست گرداند، و زمین را به ما ارث داد، هر جای بهشت خواهیم ماءوا کنیم ، چه خواب است پاداش نیکو کرداران .

و چون بهشت و نعمتهای فراوانی را که خداوند به آنان ارزانی داشته نظاره کنند گویند:

الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله (۱٤۳) ؛

تمام سپاس ویژه خدایی است که ما را به این جا هدایت فرمود، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما به آن راه نمی یافتیم .

اهل بهشت که ایمان راستین ، و عمل شایسته را در این جهان فراهم آورده اند، و در بهشت از نعمت های الهی بهره مندند ورد زبانشان این است :

سبحانك اللهم (۱٤٤) ؛

پروردگارا تو منزهی از هر عیب .

آنان به یکدیگر تحیت و سلام گویند. باز هم آخرین سخنشان این است :

الحمدلله رب العالمین (۱٤٥) .

تمام حمد مخصوص خدایی است که پروردگار جهان ها و عوالم هستی است .

دعای نیکوکاران در بهشت نیکوکاران در بهشت نیز حمد و ثنای خدا می کنند و نعمت های الهی را برمی شمارند. بنا به گفته قرآن کریم آنان در بهشت چنین گویند

الحمدلله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور # الذی احلنا دارالمقامة من فضله لایمسنا فیها نصب ولایمسنا فیها لغوب (۱٤٦)

حمد برای خدایی است که اندوه را از ما ببرد به درستی که پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار است او که از کرمش ما را در سرای جاوید جا داد که در آن نه رنج به ما رسد و نه خستگی و سختی .

فهرست موضوعی دعاهای قرآن برای آن که بدانیم چه موضوعاتی در دعاهای قرآنی مطرح و هر یك چند نوبت تکرار شده ، این فهرست فراهم آمده است در مقابل هر آیه ، شماره صفحه همین کتاب که این دعا در آن جا آمده ، نوشته شده است تا برای ترجمه و توضیح به آن جا مراجعه شود.

۱. آسان شدن کارهای سخت یسرلی امربطه (۲۰) آیه ۲٦.... ٥۲

۲. آرزوی بهتر از آنچه از دسته رفته عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا راغبونقلم (٦۸) آیه ۳۲.....

٣. امنيت مكه رب اجعل هذاالبلد امنا،ابراهيم (١٤) آيه ٣٥..... ٢٥

رب اجعل هذا بلدا آمنابقره (٢) آيه ١٢٦..... ٢٦

٤. استعاذه رب اعوذ بك من همزات الشياطين # و اعوذ بك رب ان يحضرونمؤ منون (٢٣) آيات ٩٧ و ٩٨..... ٨٦

بسم الله الرحمن الرحيم # قل اعوذ برب الفلق # من شر ما خلق # و من شر غاسق اذا وقب # و من شر النفاثات فى العقد # و من شر حاسد اذا حسدفلق (١١٣)..... ٨٦

بسم الله الرحمن الرحيم # قل اعوذ برب الناس # ملك الناس # اله الناس # من شر الوسواس الخناس # الذى يوسوس فى صدور الناس # من الجنة و الناسالناس (١١٤)..... ٨٧

رب انى اعوذ بك ان اسئلك ما ليس لى به علمهود (١١) آيه ٤٧..... ١٩

٥. با نيكوكاران باشيم و با عاقبت خوش بميريم توفنى مسلما و الحقنى بالصاحلينيوسف (١٢) آيه ١٠١.... ٤٠

ربنا افرغ علينا صبرا و توفنا مسلميناعراف (٧) آيه ١٢٦.... ٥٤

توفنا مع الابرارآل عمران (٣) آيه ١٩٣..... ٩٨.

و الحقنى بالصالحينشعراء (٢٦) آيه ٨٣..... ٢٠

و ادخلنى برحمتك فى عبادك الصالحيننمل (٢٧) آيه ١٩.... ٣٣

٦. براى آغاز كارها بسم الله مجريها و مرسيها ان ربى لغفور رحيمهود (١١) آيه ٤١....١٨

رب ادخلنى مدخل صدق و اخرجنى مخرج صدق و اجعل لى من لدنك سلطانا نصيرااسراء (١٧) آيه ٨٠..... ٧٩

٧. پيروزى بر كافران انى مغلوب فانتصرقمر (٥٤) آيه ١٠..... ١٦.

رب انصرنى بما كذبونمؤ منون (٢٣) آيه ٢٦..... ١٧

رب انصرنى على القوم المفسدينعنكبوت (٢٩) آيه ٣٠.... ٢٩

و انصرنا على القوم الكافرينبقره (٢) آيه ٢٥٠؛ آل عمران (٣) آيه ١٤٧..... ٣١

انت مولا فانصرنا على القوم الكافرينبقره (٢) آيه ٢٨٦..... ١٠٤

٨. پيشواى متقين شويم واجعلنا للمتقين اماماًفرقان (٢٥٩) آيه ٧٤..... ١١١

رب اجعلنى مقيم الصلاة و من ذريتىابراهيم (١٤) آيه ٤٠..... ٢٥

٩. تسبيح الهى سبحان الذى سخرلنا هذا و ما كنا له مقرنين # و انا لى ربنا لمنقلبونزخرف (٤٣) آيات

۱۳ و ۱٤..... ۹۲

سبحان ربنا انا كنا ظالمينقلم (٦٨) آيه ۲۹..... ۷٦

لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمينانبياء (۲۱) آيه ۸۷.....٤۱

سبحانك تبت اليك و انا اول المؤ منيناعراف (۷) آيه ۱٤۳.... ٥۸

سبحانك انت ولينا من دونهمسباء (۳٤) آيه ٤۱..... ۹٥

سبحانك اللهميونس (۱۰) آيه ۱۰..... ۱۱۷

سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولااسراء (۱۷) آيه ۱۰۸.... ۱۱۳

كى نسبحك كثيرا# و نذكرك كثيراطه (۲۰) آيات ۳۳ و ۳٤..... ٥۲

۱۰. تقاضاى داورى و يارى از خداوند رب احكم بالحق و ربنا الرحمن المستعان على ما تصفونانبياء (۲۱) آيه ۱۱۲..... ۷۸

رب ان قومى كذبون # فافتح بينى و بينهم فتحا و نجنى و من معى من المؤ منينشعراء (۲٦) آيات ۱۱۷ و ۱۱۸..... ۱٤

ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق و انت خير الفاتحيناعراف (۷) آيه ۸۹..... ٤۸

رب انى لااملك الا نفسى و اخى فافرق بيننا و بين القوم الفاسقينمائده (٥) آيه ۲٥..... ٦۰

۱۱. توبه و طلب آمرزش سبحان ربنا انا كنا ظالمينقلم (٦٨) آيه ۲۹.... ۷٦

ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا و ترحمنا لنكون من الخاسريناعراف (۷) آيه ۲۳..... ۱۳

رب اغفرلى ولوالدى و لمن دخل بيتى مؤ منا و للمؤ منين و المؤ مناتنوح (۷۱) آيه ۲۸... .۱٦

و ان لاتغفرلى و ترحمنى اكن من الخاسرينهود (۱۱) آيه ٤۷..... ۱۹

و اغفرلنا ربنا نك انت العزيز الحكيممتحنه (٦۰) آيه ٥..... ۲۲

و تب علينا انك انت التواب الرحيمبقره (۲) آيه ۱۲۸..... ۲۷

رب اغفرلىص (۳۸) آيه ۳٥..... ۳۲

رب انى ظلمت نفسى و اسلمت مع سليمان لله رب العالميننمل (۲۷) آيه ٤٤..... ۳٥

لااله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمينانبياء (۲۱) آيه ۷۸.....٤۱

رب انى ظلمت نفسى فاغفرلىقصص (۲۸) آيه ۱٦..... ٤۹

سبحانك تبت اليك و انا اول المؤ منيناعراف (۷) آيه ۱٤۳.... ٥۸

رب اغفرلی ولاخی و ادخلنا فی رحمتکاعراف (۷) آیه ۱۵۱.... ۵۸

رب لوشئت اهلکتهم من قبل و ایای اتهلکنات بما فعل السفهاء منا ان هی الا فتنتك تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء انت ولینا فاغفرلنا و ارحمنا و انت خیر الغافریناعراف (۷) آیه ۱۵۵..... ۵۹

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفرلنا لنکون من الخاسریناعراف (۷) آیه ۱٤۹..... ٦۱

ربنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرناآل عمران (۳) آیه ۱٤۷.... ۷۳

ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتناآل عمران (۳) آیه ۱۹۳... ۹۸

ربنا اننا فاغفرلنا ذنوبنا وقنا عذاب النارآل عمران (۳) آیه ۱٦.... ۱۰۰

ربنا لاتؤ اخذنا ان نسینا او اخطاءنا ربنا و لاتحمل علینا اصراکما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لاتحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و اغفرلنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرینبقره (۲) آیه ۲۸٦.....۱۰٤

ربنا اغفرلنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمانحشر (۵۹) آیه ۱۰....۱۰۹

انی تبت الیك و انی من المسلمیناحقاف (٤٦) آیه ۱۵..... ۱۱۰

رب اغفر و ارحم و انت خیر الراحمینمؤ منون (۲۳) آیه ۱۱۸.... ۷۸

ربنا امنا فاغفرلنا و الرحمنا و انت خیرالراحمینتحریم (٦٦) آیه ۸.....۱۱۵

ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤ منین یوم یقوم الحسابابراهیم (۱٤) آیه ٤۱..... ۲۵

ربنا وسعت کل شی ء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلك وقهم عذاب الجحیمغافر (٤۰) آیه ۷..... ۹٤

۱۲. توکل الله ربی علیه توکلت والیه انیبشوری (٤۲) آیه ۱۰..... ۸۰

ربنا علیك توکلنا و الیك انبنا و الیك المصیرممتحنه (٦۰) آیه ٤...۲۲

وسع ربنا کل شی ء علما علی الله توکلنااعراف (۷) آیه ۸۹.... ٤۸

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیبهود (۱۱) آیه ۸۸.... ٤۷

هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه متابرعد (۱۳) آیه ۳۰.... ۸۲

حسبنا الله سیؤ تینا الله من فضله ورسوله انا الی الله راغبونتوبه (۹) آیه ۵۹..... ۹۱

حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیمتوبه (۹) آیه ۱۲۹..... ۸۳.

ماشاء الله لاقوة الا باللهکهف (۱۸) آیه ۳۹..... ۹٦

۱۳. تفویض افوض امری الله ان الله بصیر بالعبادغافر (٤۰) آیه ٤٤..... ۵۷

١٤. حمد الهى الحمدلله الذى اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور # الذى احلنا دار المقامة من فضله لايمسنا فيها نصب ولايمسنا فيها لغوبفاطر (٣٥) آيات ٣٤ و ٣٥..... ١١٨

الحمدلله الذى نجينا من القوم الظالمينمؤ منون (٢٣) آيه ٢٨..... ١٧

الحمدلله الذى وهب لى على الكبر اسماعيل و اسحق ان ربى لسميع الدعاءابراهيم (١٤) آيه ٣٩..... ٢٥

الحمدلله رب العالمينفاتحه (١) آيه ٢، يونس (١٠) آيه ١٠... ١١٧

الحمدلله الذى صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوء من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العالمينزمر (٣٩) آيه ٧٤..... ١١٦

الحمدلله الذى هدينا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدينا اللهاعراف (٧) آيه ٤٣..... ١١٦

الحمدلله الذى فضلنا على كثير من عباده المؤ منيننمل (٢٧) آيه ١٥.... ٣٤

الحمدلله و سلا على عباده الذين اصطفىنمل (٢٧) آيه ٥٩.... ٨١

الحمدلله الذى لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك فى الملك و لم يكن له ولى من الذل و كبره تكبيرااسراء (١٧) آيه ١١١..... ٨١

١٥. دعاى براى همسر ربنا هب لنا من ازواجنا و ذريتانا قرة اعين و اجعلنا للمتقين امامافرقان (٢٥) آيه ٧٤..... ١١١

١٦. دعاى براى پدر و مادر رب اغفرلى و لوالدنوح (٧١) آيه ٢٨..... ١٦

و اغفرلابى انه كان من الضالينشعرا (٢٦) آيه ٨٦..... ٢٠

ربنا اغفرلنا و لوالدى و للمؤ منين يوم يقوم الحسابابراهيم (١٤) آيه ٤١..... ٢٥

رب ارحمهما كما ربيانى صغيرااسراء (١٧) آيه ٢٤..... ٨٩

١٧. دعا براى برادر رب اغفر لى و لاخى و ادخلنا فى رحمتك و انت ارحم الراحميناعراف (٧) آيه ١٥١..... ٥٨

١٨. دعاى براى فرزندان و نوادگان رب هب لى من الصالحينصافات (٣٧) آيه ١٠٠..... ٢٤

رب ان ابنى من اهلى و ان وعدك الحق و انت احكم الحاكمينهود (١١) آيه ٤٥..... ١٩

رب اجعل هذا البلد آمنا و اجنبنى و بنى ان نعبد الاصنامابراهيم (١٤) آيه ٣٥..... ٢٥

ربنا واجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لكبقره (٢) آيه ١٢٨..... ٢٧

ربنا انى اسكنت من ذريتى بواد غيرذى زرع عند بيتك المحرم ربنا ليقيموا الصلاة فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم و ارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرونابراهيم (١٤) آيه ٣٧..... ٢٥

رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاءابراهیم (١٤) آیه ٤٠.... ٢٥

ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتك ویعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم انك انت العزیز الحکیمبقره (٢) آیه ١٢٩.....٢٧

رب هب لی من لدنك ذریة طیبة انك سمیع الدعاءآل عمران (٣) آیه ٣٨..... ٦٧

ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماامافرقان (٢٥) آیه ٧٤..... ١٠٨

رب انی وهن العظم منی و اشتعل الراءس شیبا و لم اکن بدعائك رب شقیا # و انی خفت الموالی من ورائی و کانت امراءتی عاقرا فهب لی من لدنك ولیا # یرثنی و یرث من آل یعقوب و اجعله رب رضیامریم (١٩) آیات ٣ - ٥..... ٦٦

رب لاتدرنی فردا و انت خیر الوارثینانبیاء (٢١) آیه ٨٩..... ٦٧

و اصلح لی فی ذریتیاحقاف (٤٦) آیه ١٥..... ١١٠

١٩. دعا برای مؤ منان رب اغفر لی ولوالدی و لمن دخل بیتی مؤ منا و للمؤ منیننوح (٧١) آیه ٢٨١٦

ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤ منین یوم یقوم الحسابابراهیم (١٤) آیه ٤١..... ٢٥

ربنا وسعت کل شی ء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلك وقهم عذاب الجحیم # ربنا و ادخلنا جنات عدن التی وعدتهم و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم انك انت العزیز الحکیم # وقهم السیئات و من تق السیئات یومئذ فد رحمته و ذلك هوالفوز العظیمغافر (٤٠) آیات ٧ -٩..... ٩٤

ربنا اغفرلنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لاتجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انك رؤ وف رحیمحشر (٥٩) آیه ١٠..... ١٠٩

٢٠. در بهشت متنعم بودن رب ابن لی عندك بیتا فی الجنةتحریم (٦٦) آیه ١١..... ٦٢

واجعلنی من ورثة جنة النعیمشعراء (٢٦) آیه ٨٥..... ٢٠

ربنا و ادخلهم جنات عدن التی وعدتهم و من صلح من آبائهم وازواجهم و ذریاتهم انك انت العزیز الحکیمغافر (٤٠) آیه ٨.... ٩٤

٢١. روزی اهل مکه رب اجعل هذا بلدا ءامنا وارزق اهله من الثمرات من ءامن منهم بالله و الیوم الاخربقره (٢) آیه ١٢٦..... ٢٦

و ارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرونابراهیم (١٤) آیه ٣٧..... .٢٥

٢٢. زیاد شدن ثروت ما شاء الله لاقوة الا باللهکهف (١٨) آیه ٣٩..... ٩٦

٢٣. زیاد شدن نورانیت

ربنا اتمم لنا نورناتحریم (٦٦) آیه ٨..... ١١٥

٢٤. زياد شدن علم و دانش رب زدنى علماطه (٢٠) آيه ١١٤..... ٧٨

و ارنا مناسكنابقره (٢) آيه ١٢٨..... ٢٧

٢٥. سربلندى و آبرومندى در روز قيامت ولاتخزنى يوم يبعثونشعرا (٢٦) آيه ٨٧..... ٢١

ربنا و آتنا ما وعدتنا على رسلك و لاتخزنا يوم القيامة انك لاتخلف الميعادآل عمران (٣) آيه ١٩٤..... ٩٨

٢٦. شرح صدر رب اشرح لى صدرىطه (٢٠) آيه ٢٥..... ٥٢

٢٧. صبر و ثبات قدم در مسير حق ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرينبقره (٢) آيه ٢٥٠..... ٣١

ربنا افرغ علينا صبرا و توفنا مسلميناعراف (٧) آيه ١٢٦.... ٥٤

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذهديتناآل عمران (٣) آيه ٨..... ١٠٧

ربنا و اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لكبقره (٢) آيه ١٢٨..... ٢٧

واجنبى و بنى ان نعبد الاصنامابراهيم (١٤) آيه ٣٥..... ٢٥

٢٨. طلب صفاى باطن نسبت به ديگران ولاتجعل فى قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤ وف رحيمحشر (٥٩) آيه ١٠..... ١٠٩

٢٩. طلب رحمت الهى و رشد ربنا اتنا من لدنك رحمة و هيى ء لنا من امرنا رشداكهف (١٨) آيه ١٠٤٦.

رب اغفرلى و لاخى و ادخلنا فى رحمتك و انت ارحم الراحميناعراف (٧) آيه ١٥١..... ٥٨

و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهابآل عمران (٣) آيه ٨..... ١٠٧

رب اغفر و ارحم و انت خيرالراحمينمؤ منون (٢٣) آيه ١١٨.... ٧٨

ربنا امنا فاغفرلنا و ارحمنا و انت خيرالراحمينمؤ منون (٢٣) آيه ١٠٩..... ١١٢

٣٠. طلب ياور و وزير واجعل لى وزيرا من اهلى # هرون اخى # اشدد به ازرى # و اشركه فى امرى # كى نسبحك كثيرا # و نذكرك كثيرا # انك كنت بنا بصيراطه (٢٠) آيات ٢٩ - ٣٥..... ٥٢

٣١. طلب توفيق بر شكر نعمتها و اعمال شايسته

رب اوزعنى ان اشكر نعمتك التى انعمت على و على والدى و ان اعمل صالحا ترضيه،نمل (٢٧) آيه ١٩واحقاف (٤٦) آيه ١٥.... ٣٣

رب بما انعمت على فلن اكون ظهيرا للمجرمينقصص (٢٨) آيه ١٧..... ٥٠

و ما توفيقى الا بالله عليه توكلتف و اليه انيبهود (١١) آيه ٨٨.....٤٧

٣٢.طلب سلطنت بى نظير رب اغفرلى و هب لى ملكا لاينبغى لاحد من بعدى انك انت الوهابص (٣٨)

آیه ۳۵..... ۳۲

۳۳. طلب ورزی رب انی لما انزلت الی من خیر فقیرقصص (۲۸) آیه ۲٤.... ۵۱

اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لن عیدا لاولنا و آخرنا و آیة منك و ارزقنا و انت خیر الرازقینمائده (۵) آیه ۱۱٤..... ۷۱

و ارزقهم من الثمرات لعلهم یکشرونابراهیم (۱٤) آیه ۳۷..... ۲۵

و ارزق اهل من المثرات من ءامن منهم بالله والیوم الاخربقره (۲) آیه ۱۲٦..... ۲٦

۳٤. طلاقت زبان و سخن آوری و احلل عقدة من لسانی # یفقهوا قولبطه (۲۰) آیه ۲۷ و ۲۸..... ۵۲

۳۵. طلب حکم رب هب لی حکماشعراء (۲٦) آیه ۸۳..... ۲۰

۳٦. طلب هدایت از خداوند و بازنگشتن به گمراهی عسی ربی ان یهدینی سواء السبیلقصص (۲۸) آیه ۲۲..... ۵۰

اهدنا الصراط المستقیم # صراط الذین انعمت علهیم غیرالمغضوب علیهم و لاالضالینحمد (۱۹ آیه ٦ و ۷..... ۱۰۱

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لی من لدنك رحمة انك انت الوهابآل عمران (۳) آیه ۸..... ۱۰۷

۳۷. طلب نعمت الهی در دنیا و آخرت ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا عذاب الناربقره (۲) آیه ۲۰۱..... ۱۰۲

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنة و فی الاخرةاعراف (۷) آیه ۱۵٦....۵۹

۳۸. فراهم آمدن منزل و مسکن مناسب رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیرالمنزلینمؤ منون (۲۳) آیه ۲۹...۱۷

۳۹. گردان بلا، و شکوه از گرفتاری و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمینانبیاء (۲۱) آیه ۸۲..... ۳٦

و اذکر عبدنا ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الشیطان بنصب و عذابص (۳۸) آیه ٤۱..... ۳۷

رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و الا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من الجاهلینیوسف (۱۲) آیه ۳۳..... ۳۸

٤۰.قبولی دعا ربنا و تقبل دعاءابراهیم (۱٤) آیه ٤۰..... ۲۵

٤۱. قبولی اعمال ربنا تقبل منا انك انت السمیع العلیمبقره (۲) آیه ۱۲۷.... ۲۷

رب انی نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی انك انت السمیع العلیمآل عمران (۳) آیه ۳۵..... ٦۹

٤۲. مدح الهی اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة تحکم بین عبادك فیما کانوا فیه

يختلفونزمر (۳۹) آیه ٤٦..... ۷۷

رب احکم بالحق و ربنا الرحمن السمتعان علی ما تصفونانبیاء (۲۱) آیه ۱۱۲..... ۷۸

فتقبل منی انك انت السمیع العلیمآل عمران (۳) آیه ۳٥٦۹

ربنا انك تعلم ما نحفی و ما نعلن و مایخفی علی الله من شی ء فی الارض و لافی السماءابراهیم (۱٤) آیه ۳۸..... ۲٥

رب قد آتیتنی من الملك و علمتنی من تاءویل الاحادیث فاطر السموات و الارض انت ولیی فی الدنیا و الاخرةیوسف (۱۲) آیه ۱۰۱..... ٤۰

وسع ربنا کل شی ء علمااعراف (۷) آیه ۸۹..... ٤۸

و ادخلنا فی رحمتك و انت ارحم الراحمیناعراف (۷) آیه ۱٥۱....٥۸

و هب لنا من لدنك رحمة الله انك انت الوهاب # ربنا انك جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعادآل عمران (۳) آیه ۸ و ۹..... ۱۰۷

ربنا انك رؤ وف رحیمحشر (٥۹) آیه ۱۰..... ۱۰۹

ربنا وسعت کل شی ء رحمة و علماغافر٤۰) آیه ۷..... ۹٤

ماشاء الله لاقوة الا باللهکهف (۱۸) آیه ۳۹..... ۹٦

٤۳. مناجات با حق تعالی الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقا عذاب النار # ربنا انك من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار # ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فامنا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار # ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلك ولاتخزنا یوم القیامة انك لاتخلف المیعادآل عمران (۳) آیه ۱۹۱ - ۱۹٤.... ۹۸.

قل اللهم مالك الملك یؤ تی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شی ء قدیر # تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی و ترزق من تشاء بغیر حسابآل عمران (۳) آیه ۲٦ و ۲۷.... ۸٤

ربنا انك جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعادآل عمران (۳) آیه ۹..... ۱۰۷

ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمینانعام (٦) آیه ۱٦۲.... ۸۲

امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤ منون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا و الیك المصیر # لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لاتواخذنا ان نسینا او اخطاءنا ربنا و لاتحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولاتحلنا ما لا طاقطد لنا به واعف عنا و اغفرلنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرینبقره (۲) آیه ۲۸٥ و ۲۸٦...۱۰٤

دعاهای قرآن ٤٤. مسلمان واقعی باشیم ربنا امنا فاکتبنا مع الشاهدینمائده (٥) آیه ۸۳..... ۸۸

ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين (آل عمران (٣) آيه ٥٣..... ٧٠

ربنا و اجعنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لكبقره (٢) آيه ١٢٨)..... ٢٧

٤٥. نجات از دست ستمگران و نجنى من فرعون و عمله و نجنى من القوم الظالمينتحريم (٦٦) آيه١١..... ٦٢

رب ان قومى كذبون # فافتح بينى و بينهم فتحا و من معى من المؤ منينشعراء (٢٦) آيات ١١٧ و ١١٨... ١٤

ربنا لاتجعلنا فتنة للذين كفروا وممتحنه (٦٠) آيه ٥.... ٢٢

رب نجنى و اهلى مما يعملونشعراء (٢٦) آيه ١٦٩..... ٢٩

رب نجنى من القوم الظالمينقصص (٢٨) آيه ٢١..... ٥٠

ربنا اننا نخاف ان يفرط علينا او ان يطغىطه (٢٠) آيه ٤٥... ٥٣

ربنا لاتجعلنا فتنة للقوم الظالمين # و نجنا برحمتك من القوم الكافرينيونس (١٠) آيات ٨٥ و ٨٦..... ٥٥

ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا(نساء (٤)آيه ٧٥..... ٩٠

٤٦. نجات از غم لا اله الاانت سبحانك انى كنت من الظالمينانبياء (٢١) آيه ٨٧... ٤١

٤٧. نبودن با ستمگران رب فلاتجعلنى فى القوم الظالمينمؤ منون (٢٣) آيه ٩٤..... ٨٥

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالميناعراف (٧) آيه ٤٧..... ١١٤

رب بما انعمت على فلن اكون ظهيرا للمجرمينقصص (٢٨) آيه ١٧....٥٠

رب انى لا املك الا نفسى و اخى فافرق بيننا و بين القوم الفاسقينمائده (٥) آيه ٢٥..... ٦٠

٤٨.نفرين بر بدكاران رب لاتذر على الارض من الكافرين ديارا # انك ان تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارانوح (٧١) آيات ٢٦ و ٢٧....١٥

ولاتزد الظالمين الا تبارانوح (٧١) آيه ٢٨..... ١٦

ربنا انك اتيت فرعون و ملاه زينة و اموالا فى الحياة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم و اشدد على قلوبهم فلايؤ منوا حتى يروا العذاب الاليميونس (١٠) آيه ٨٨... ٥٦

٤٩. نجات از جنهنم سبحانك فقنا عذاب النارآل عمران (٣) آيه ١٩١..... ٩٨

فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النارآل عمران (٣) آيه ١٦.... ١٠٠

وقنا عذاب الناربقره (٢) آيه ٢٠١..... ١٠٢

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غرامافرقان (٢٥) آيه ٦٥.... ١١١

٥٠. نام نيك پس از مردن و اجعل لی لسان صدق فی الاخرينالشعراء (٢٦) آيه ٨٤.... ٢٠

٥١. هنگام سوار شدن بر مركب بسم الله مجريها و مرسيها ان ربی لغفور رحيمهود (١١) آيه ٤١.... ١٨

سبحان الذی سخرلنا هذا وما كنا له مقرنين # و انا الی ربنا لمنقلبونزخرف (٤٣) آيات ١٣ و ١٤..... ٩٢

دعاهاي قرآن ١- غافر (٤٠) آيه ٦٠

٢- انبياء، (٢١) ٨٨.

٣- اعراف ، (٧) آيه ٢٣.

٤- شعراء (٢٦) آيات ١١٧ و ١١٨.

٥- نوح (٧١) آيات ٢٦ - ٢٨.

٦- قمر (٥٤) آيه ١٠.

٧- مؤ منون (٢٣) آيه ٢٦ همين جمله در همين سوره در آيه ٣٩ از زبان پيامبر ديگر آمدهاست ونام او به صراحت ذكر نشده است بعضی آن پيامبر را هود پيشوای قوم عادوبعضی ديگر صالح پيامبر قوم ثمود می دانند.

٨- مؤ منون (٢٣) آيات ٢٨ و ٢٩.

٩- تفسير صافی ، ج ٣، ص ٣٩٩.

١٠- خصال ص ٦٣٤.

١١- هود (١١) آيه ٤١

١٢- هود (١١) آيه ٤٥.

١٣- هود (١١) آيه ٤٧

١٤- شعراء (٢٦) آيات ٨٣ - ٨٧و

١٥- پدران پيامبران مشرك و بت پرست نبوده اند. در عربی به پدر و نيز به عمو(كه سرپرستی فرزند برادرش را به عهده دارد) اب گفته می شود. آزر بتتراش و بت پرست عموی ابراهيم عليه السلام بود كه سرپرستی او را عهده دار بود.

١٦- احزاب (٣٣) آيه ٢١

١٧- ممتحنه (٦٠) آيه ٤.

١٨- ممتحنه (٦٠) آيه ٦.

۱۹- ممتحنه (٦٠) آیات ٤و ٥.

۲۰- صافی ، ج ٥، ص ١٦٣

۲۱- صافات (۳۷) آیه ۱۰۰.

۲۲- ابراهیم (١٤) ۳٥ - ٤١.

۲۳- بقره (۲) آیه ١٢٦.

٢٤- تفسیر البرهان ، ج ١، ص ١٥٤.

٢٥- بقره (۲) آیات ۱۲۷ - ۱۲۹.

٢٦- تفسیرالبرهان ج ١، ص ١٥٦.

۲۷- عنکبوت (۲۹) آیه ۳۰

۲۸- شعراء (٢٦) آیه ١٦٨

۲۹- بقره (۲) آیه ۲٥۰.

۳۰- ص (۳۸) آیه ۳٥.

۳۱- نمل (۲۷) آیه ۱۹.

۳۲- نمل (۲۷) آیه ۱٥.

۳۳- نمل (۲۷) آیه ٤٤.

٣٤- انبیاء (۲۱) آیه ۸۳

۳٥- مجمع البیان ج ۷، ص ٥۹.

٣٦- ص (۳۸) آیه ٤١.

۳۷- صافی ، ج ۳، ص ۳٥١.

۳۸- یوسف (۱۲) آیه ۳۳.

۳۹- یوسف (۱۲) آیه ۱۰۱

٤٠- انبیاء (۲۱) ۸۷.

٤١- قوارع القرآن ، ص ٦٧

٤٢- قوارع القرآن ص ٦٧.

٤٣- كشاف ، ج ٣، ص ١٣٢، پاورقى .

٤٤- خصال ، ٢١٨.

٤٥- كافى ، ج ٦، ص ١٠

٤٦- كهف (١٨) آيه ١٠.

٤٧- هود (١١) آيه ٨.

٤٨- اعراف (فتنه ) ٧ آيه ٨٩

٤٩- قصص (٢٨) آيه ١٦.

٥٠- قصص (٢٨) آيه ١٧

٥١- قصص (٢٨) آيه ٢١

٥٢- قصص (٢٨) آيه ٢٤.

٥٣- طه (٢٠) آيات ٢٥ - ٣٥.

٥٤- طه (٢٠) آيه ٤٥.

٥٥- اعراف (٧) آيه ١٢٦.

٥٦- يونس (١٠) آيات ٨٥ - ٨٦.

٥٧- غافر (٤٠) آيه ٤٤.

٥٨- يونس (١٠) آيه ٨٨.

٥٩- تفسير البرهان ، ج ٢، ص ١٩٤.

٦٠- اعراف (٧) آيه ١٤٣.

٦١- اعراف (٧) آيه ١٥١.

٦٢- اعراف (٧) آيات ١٥٥ - ١٥٦.

٦٣- مائده (٥) آيه ٢٥.

٦٤- اعراف (٧) آيه ١٤٩

٦٥- تحريم (٦٦) آيه ١١.

٦٦- نور الثقلين ج ٥، ص ٣٧٧.

٦٧- آل عمران (٣) آیه ٣٨.

٦٨- مریم (١٩) آیات ٣ - ٥.

٦٩- انبیاء، (٢١) آیه ٨٩

٧٠- مروج الذهب ، ج ٢، ص ٤٢٢.

٧١- کافی ج ٦، ص ٨ و نیز مجمع البیان ج ٧، ص ٦١.

٧٢- نورالثقلین ج ٣، ص ٤٥٦.

٧٣- کافی ج ٦، ص ٧ - ١٠ نور الثقلین ج ٣، ص ٤٥٦.

٧٤- آل عمران (٣) آیه ٣٥

٧٥- آل عمران (٣) آیه ٣٧.

٧٦- آل عمران (٣) آیه ٥٣

٧٧- مائده (٥) آیه ١١٤.

٧٨-"> آل عمران (٣) آیه ١٤٧.

٧٩- قلم ، (٦٨) آیه ٢٩.

٨٠- قلم (٦٨) آیه ٣٢.

٨١- زمر (٣٩) آیه ٤٦

٨٢- انبیاء (٢١) آیه ١١٢.

٨٣- مؤ منون (٢٣) آیه ١١٨.

٨٤- طه (٢٠) ١١٤.

٨٥- تفسیر صافی ، ج ٣ تص ٣٢٢.

٨٦- اسراء (١٧) آیه ٨٠.

٨٧- تفسیر صافی ج ٣، ص ٢١٢

٨٨- شوری (٤٢) آیه ١٠

٨٩- نمل (٢٧) آیه ٥٩.

٩٠- اسراء (١٧) آیه ١١١.

۹۱- رعد (۱۳) آیه ۳۰

۹۲- انعام (٦) آیه ١٦٢

۹۳- توبه (۹) آیه ۱۲۹

۹٤- لکل دعاء فی القرآن قصة و اجابة ص ٦۹

۹۵- لکل دعاء فی القرآن قصة واجابة ، ص ٦۹.

۹٦- آل عمران (۳) آیات ۲٦ - ۲۷.

۹۷- نورالثقلین ، ج ۳، ص ۳۲٤، الدر المنثور ج ۲، ص ۲۵.

۹۸- مؤ منون (۲۳) آیات ۹۳ و ۹٤.

۹۹- فصلت (٤۱) آیه ۳٦

۱۰۰- اعراف (۷) آیه ۲۰۰.

۱۰۱- مؤ منون (۲۳) آیات ۹۷ و ۹۸

۱۰۲- مائده (۵) آیه ۸۳.

۱۰۳- اسرا (۱۷) آیه ۲٤.

۱۰٤- نساء (٤) آیه ۷۵.

۱۰۵- توبه (۹) آیه ۵۹و

۱۰٦- زخرف (٤۳) آیات ۱۳ و ۱٤.

۱۰۷- نور الثقلین ، ج ٤، ص ۵۹۳ - ۵۹٤

۱۰۸- نور الثقلین ج ، ٤، ص ۵۹۳ - ۵۹٤

۱۰۹- غافر، (٤۰) آیات ۷ -۹

۱۱۰- سباء (۳٤) آیه ٤۱.

۱۱۱- کهف (۱۸) آیه ۳۹.

۱۱۲- الوابل الطیب ص ۱۱۱.

۱۱۳- خصال ، ۲۱۸.

۱۱٤- آل عمران (۳) آیات ۱۹۱ - ۱۹٤.

۱۱۵- مجمع البیان ج ۲، ص ۲۹۸.

۱۱٦- آل عمران (۳) آیه ۱٦.

۱۱۷- حمد (۱) آیات ٦ و ۷.

۱۱۸- بقره (۲) آیه ۲۰۱.

۱۱۹- تفسیر البرهان ، ج ۱، ص ۲۰۳.

۱۲۰- مجمع البیان ج ۲، ص ۲۹۸.

۱۲۱- مجمع البیان ، ج ۲، ص ۲۹۸.

۱۲۲- تفسیر ابن کثیر ج ۱، ص ٤۳۳ تفسیر ابوالفتح ، ج ۲، ص ۱۳٤.

۱۲۳- بقره (۲) آیات ۲۸۵ و ۲۸٦.

۱۲٤- مجمع البیان ج ۲، ص ٤۰٤.

۱۲۵- مجمع البیان ج ۲، ص ٤۰٤.

۱۲٦- مجمع البیان ، ج ۲، ص ٤۰٤.

۱۲۷- تفسیر صافی ج ۱، ص ۲٤۱، تفسیر ابوالفتح ، ج ۲، ص ٤۲٦.

۱۲۸- آل عمران (۳) آیات ۸ -۹

۱۲۹- تفسیر البرهان ج ۱، ص ۲۷۲ صافی ج ۱، ۲٤۸.

۱۳۰- الدرالمنثور، ج ۲، ص ۱۳.

۱۳۱- الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵.

۱۳۲- نور الثقلین ، ج ۱، ص ۳۱۹.

۱۳۳- حشر (۵۹) آیه ۱۰

۱۳٤- احقاف (٤٦)آیه ۱۵.

۱۳۵- فرقان (۲۵) آیه ٦۵.

۱۳٦- فرقان (۲۵) آیه ۷٤.

۱۳۷- تفسیر صافی ، ج ٤، ص ۲۷.

۱۳۸- مؤ منون (۲۳) آیه ۱۰۹.

۱۳۹- اسراء (۱۷) آیه ۱۰۸.

۱٤۰- اعراف (۷) آیه ٤۷.

۱٤۱- تحریم (٦٦) آیه ۸.

۱٤۲- زمر (۳۹) آیه ۷٤.

۱٤۳- اعراف ، (۷) آیه ٤۳.

۱٤٤- یونس (۱۰) آیه ۱۰

۱٤٥- فاتحه (۱) آیه ۲، یونس (۱۰) آیه ۱۰

۱٤٦- فاطر (۳٥) آیات ۳٤ و ۳٥.